

ذکاء الملک - دکتر علیخان - کاشف - حاج آقا .  
 (شعبه دوم)  
 افتخار الواعظین - آقا میرزا رضای مستوفی -  
 مشیر حضور - میرزا اسدالله خان - آقا شیخ غلامحسین  
 آقا سیدجلیل - شبانی - مشیرالدوله - آقا سید حسن  
 مدرس - مستشارالدوله - حاج میرزا آقا -  
 رکن الممالک - سردار اسعد - آقا شیخ جعفر - آقا  
 شیخعلی شیرازی - آقا شیخ محمدحسین بزدی  
 (شعبه سیم)  
 اسان الحکماء - آقا شیخ اسمعیل - عز الملک  
 تقی زاده - حاج میرزا رضاخان - حاج امام جمعه -  
 معزز الملک - مرتضی قلیخان بختیاری - آقا  
 میرزا مرتضی قلیخان - ناصر الاسلام - دکتر حیدر  
 میرزا - دکتر اسمعیل خان - محمد هاشم میرزا  
 صدرالعلماء - انتظام الحکماء  
 (شعبه چهارم)  
 آقا میرزا احمد - حاج محمد کریمخان -  
 فهیم الملک - وحید الملک - آقا میرزا ابراهیم خان -  
 متین السلطنه - سیه - ار اعظم - آقا میرزا دود  
 خان - معاضد السلطنه - حاج سید ابراهیم مدرس -  
 بهجت - لواء الدوله - آقا سید حسین کزازی  
 آقا محمد پروجردی - معاضد الملک  
 (شعبه پنجم)  
 حاج زکریا رضا خان - طباطبائی  
 حسنعلیخان - آقا میرزا رضا خان نائینی - حاج  
 شیخعلی - دکتر اسمعیل خان - آدینه محمد خان  
 ابوالقاسم میرزا - میرزا یانس - حاج سید نصرالله  
 مؤتمن الملک - نیر السلطان - آقا میرزا ابراهیم  
 قوی - ادیب التجار - علی زاده

(شعبه ششم)  
 آقا سید محمد باقر ادیب - آقا  
 عبدالحسین - نجات - ممتاز الدوله - ثقة الاسلام -  
 نویری - سلیمان میرزا - آقا سید حسین اردبیلی  
 ضیاء الممالک - وکیل التجار - آقا شیخ ابراهیم -  
 حاجی وکیل الرعايا - تربیت - حاج مصدق الممالک  
 ارباب کبخسرو

رئیس - فردابنا بر تقاضای بعضی از آقایان  
 طرف عصر جلسه خصوصی خواهیم داشت جلسه  
 علمی پس فرداست دستور آن از این قرار است  
 تعیین تکلیف انتخاب علماء - شور اول در قانون  
 عتیقات - شور دوم در بقیه قانون دیوان محاسبات  
 مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۲۰۲

صورت مشروح روز ۵ شنبه ۲۴

شهر محرم الحرام ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای  
 ذکاء الملک تشکیل شد صورت روز ۳ شنبه را  
 آقای معاضد الملک قرائت نمود ( غائبین جلسه قبل)  
 مستشار الدوله - میرزا اسدالله خان - دهخدا بدون  
 اجازه غایب بودند . حاج محمد کریمخان - آدینه  
 محمد خان - حاج امام جمعه با اجازه . آقای  
 مشیر الدوله مریض . ممتاز الدوله - آقا سید محمد  
 رضا - حاج آقا - آقا سید حسن مدرس در وقت  
 مقرر حاضر نشدند .

رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی  
 هست بفرمائید .

آقا شیخعلی - آقا شیخ اسمعیل را رشتی  
 باید نوشت محلاتی نیست .

حاج عز الممالک - چنانچه در صورت  
 مجلس نوشته بنده اخطار کردم مطابق ماده ۱۲ و  
 ۱۳ نظامنامه داخلی اسامی اعضاء غائب در جزء  
 شعبات نباید انتخاب بشود اولاً اخطاری که می شود  
 موافق قانون نظامنامه داخلی رئیس باید جواب بدهد  
 جوابی داده نشد و با اعتقاد بنده فلسفه و تاریخ جواب  
 نص نظامنامه داخلی را نمی دهد و اگر ماده ای بود  
 که برخلاف این ماده ای که بنده اظهار کردم می بایستی  
 خوانده شود و بعد شروع با انتخاب شعبه شود و بعد  
 از آنکه اخطار شد و از طرف آقای رئیس اجازه  
 داده نشد - و شروع بتعیین اعضاء شعبات شد در آن  
 وقت اعضاء مجلس شورای ملی اغلب غائب بودند  
 و بطوریکه باید عده کافی نبود برای اکثریت و  
 کلبتاً رسمیت مجلس و با اعتقاد بنده هر دو این مسئله  
 بر خلاف قانون بود و انتخاب شعبات غلط است و  
 می بایستی مجدداً انتخاب شود و با اعتقاد بنده باید  
 بموجب نظامنامه داخلی اعضاء حاضر مجلس باشند نه  
 غائبین و اگر این مطلب رجوع بسابقه بشود همان جلسه دیدیم

که ملاحظه سابقه نشد یعنی در آن جلسه دیدیم که  
 انتخاب آقای ثقة الاسلام بهمین طوریکه حالا از بیست -  
 نفری که يك نفر کم بودند و يك نفر را هم آقای آیت الله  
 معرفی کرده بودند و آن سابقه ما قبول نکردیم برای  
 اینکه انتخاب دو نفر از علمای خمسه بکنیم بالاخره  
 برای مجلس موکول شد بنده تعجب میکنم که چیزی را  
 که بنده اخطار میکنم در صورتیکه مطابق نظامنامه  
 مجلس هم میشود میبایستی که رای مجلس حل  
 بکنند در صورتیکه مطابق ماده ۱۱۳ نظامنامه  
 داخلی هر مطلبی که در مجلس مطرح شود رئیس میبایستی  
 که رای مجلس را در آن خصوص کسب نماید و بعد شروع  
 بآن مطلب بکنند آن مسئله هم مراعات نشد و بعقیده  
 بنده این مسئله برخلاف قانون بود که در جلسه قبل رخ داد  
 و لازم دانستم امروز که این را عرض کنم که در حقیقت  
 اخطار بکنم که آن انتخابات غلط است و باید دوباره  
 آن شعبات تجدید انتخاب شود و اگر در موضوع  
 سؤال بنده هم آقای رئیس جواب قانونی دارند بفرمائید

رئیس - در باب این ماده نظامنامه که فرمودید  
 چون محل اختلاف بود اگر تشریف داشتید ملتفت  
 بودید که مذاکرات بعمل آمد و معلوم شد که این متفق  
 علیه نیست که اعضاء حاضر این معنی که شما فرمودید  
 دارا باشند باید این مسئله حل بشود و اما در این ماده  
 نظامنامه چنین معنی میدهد که اعضاء حاضر میبایستی  
 در شب انتخاب شوند و شاید عقیدت خودم هم این  
 باشد که مراد از اعضاء حاضر آنهایی هستند که در  
 اینجا حاضرند لیکن بنده برای شخص خودم میتوانم  
 عمل کنم و اما اینکه فرمودید تعیین شعب وقت  
 واقع شد که عده کافی نبود این را بنده تصدیق دارم  
 یعنی وقتیکه شروع کردیم برای تعیین شعب عده کافی  
 بود لیکن بزودی بعضی بیرون رفتند و عده ناقص شد  
 حالا در صورتیکه مجلس این تعیین شعب روز قبل  
 را کافی نداند ثانیاً انتخاب میکنیم بنده حرفی ندارم رای  
 با مجلس است .

محمد هاشم میرزا - عرض بنده این  
 بود که در صورت مجلس شیخ محلاتی نوشته شده و  
 حال آنکه رشتی است اصلاح شود .

ادیب التجار - آن شب را در موقعی که  
 نزدیک بود مجلس ختم شود و بجهت شعبات مذاکرات  
 شد بعضی صحبت ها در اینجا بود که مفهوم این شد  
 که يك قدری من ترسیدم یعنی صحبت های تهدید  
 آمیز بود یعنی گفته شد که اگر چنانچه این شعبات  
 بهمان طوری که بوده است تجدید بشود اعلان میکنیم  
 که مجلس چنین و چنان است از این جهت بنده خواستم  
 دفاع کنم و رفع شبهه از گوینده آن بیان بکنم و  
 خواستم عرض بکنم که مقصود کسانی که پیشنهاد می  
 کنند یکی این که عرض عقلائی بوده است و این  
 عرض عقلائی اینست که هر ۳ ماه سه ماه این شعبات  
 تجدید نشود و وقت نمایندگان صرف تعیین نمایندگان  
 هائی که از این شعبات معین می شود و خود این  
 شعبات نشود و خاصر آقایان نماینده کان بکارهای  
 مملکتی و امورات مهم مصروف شود و یکی دیگر  
 اینکه اعدای اربابانی که آنها تنها هم دیگر را ملاقات  
 می کنند و می گیریم اینست بلفظ مجلس و عموم  
 نمایندگان ایراد می گیریم و حال آنکه این صورت نیست  
 اگر دو یا سه نفر از حدودشان تجاوز نمایند  
 داخلی بمجلس و عموم نمایندگان ندارد بنده این را  
 می خواستم عرض کنم و اجازه خواستم حضرت رئیس  
 وقت را مقتضی ندانستند که مذاکره شود با این جهت  
 عرض نکردم و امروز می بینم که در روزنامه مینویسند  
 ادیب التجار در مجلس داد و در یاد کرد و حال آنکه  
 ادیب التجار خواست يك رفع شبهه را نمایندگان محترم بکنند

ارباب کبخسرو - بنده اولاً نمی دانم  
 نظامنامه برای چه نوشته شده است ادیب التجار  
 یا می شود اظهار می کند که هر سه ماه  
 سه ماه یا هر شش ماه بشش ماه شعبات  
 تجدید نشود در صورتیکه نظامنامه داخلی با اکثریت  
 يك همچو حکمی کرده است و اگر چنانچه بیروز  
 اظهار شد که يك پیشنهادی شده است - اگر يك  
 پیشنهادی شد است وقتیکه گذشت آنوقت میشود  
 بآن عمل کرد این يك مسئله - مسئله دوم خواستم  
 از آقای رئیس استناد کنم که در مراعات  
 نظامنامه داخلی را بفرمائید اینجا يك شرطی برای  
 اخطار شده است بنده ملاحظه میکنم خیلی مطالب  
 در اینجا واقع شده که قابل اخطار بود و آقای رئیس  
 اخطار نکردند اگر ملاحظه این را کردند که اگر  
 اخطاری بکنند شاید بدمان بیاید ما نباید بد بکنیم  
 تا اینکه بدمان بیاید کسیکه خلاف کرد بموجب  
 نظامنامه که اختیار بر رئیس داده شده است باید  
 اخطار خودشان را بکنند تا مراعات نظم بشود .

رئیس - حالا در صورت مجلس اگر حرفی  
 دارید بزنید .

افتخار الواعظین - بنده میخواستم عرض  
 کنم که در جلسه سابق يك پیشنهاد کردم موافق  
 نظامنامه داخلی باید فوراً در این پیشنهادی که بنده  
 کردم حضرت رئیس رای بگیرند اگر با اکثریت قابل  
 توجه شد البته بمقاد آن عمل خواهند کرد و اگر

اکثریت مجلس تصویب نکرد آنوقت آن پیشنهاد رد میشود میخوام عرض کنم اولاً وقتیکه بنده پیشنهاد کردم رای گرفته نشد و عرض میکنم که آنهم یکی از رایهای مجلس است تنها آنرا را بقره میگیرند نه بقیام و نمود و ثباً در وقت تعیین شعب باید عهده برای رای کافی باشد آنوقت میتوان شروع شد عهده که برای رای گرفتن کافی نبود سهولت برای مذاکره هم کافی نبوده است که در حضور چند نفر از نمایندگان نمیتوان یک کاری که از کارهای بزرگ مجلس است تعیین نمود این است که بنده آن تعیین شعب را قانونی نمی دانم و اگر بهمین حال باشد بنده داخل آن شعبه که در جزء آن منتخب شده ام نخواهم شد برای اینکه قانونی نیست .

**رئیس** - در این باب که بنده عرض کردم یا باعتقاد جنابمالی که میفرمائید باید عهده نمایندگان برای رای کافی باشد یا اینکه عهده فقط برای مذاکره کافی باشد و تصور میکنم که فقط باید برای مذاکره کافی باشد همین طور هم هست در هر صورت وقتی که شروع به تعیین کردیم عهده برای مذاکره کافی بود ولی کم کم آقایان تشریف بردند و عهده ناقص شد و عرض کردم در صورتیکه مجلس تعیین شعب را صحیح نمی داند تجدید کار سهلی است و در خصوص سایر مطالب که میفرمائید چون عهده برای رای کافی نیست بنده نمی توانستم رای بگیرم مثل این که آقای مشیرمضور هم پیشنهادی کرده بودند که این اختلاف را به کمیسیون تفحیر رجوع بکنیم آنرا هم چون عهده کافی نبود رای نکره فیم .

**مشیر حضور** - بنده میخواستم عرض کنم که پیشنهاد بنده چرا آنروز خوانده نشد حالا جهت رافرمودید ولی عرض می کنم چرادر صورت مجلس قید نشده است که بنده این پیشنهاد را کرده بودم و حال آنکه و کلا در بیرون تشریف داشتند چرا حضرتعالی آنها را اخطار نکردید که حاضر شوند و می خواهم عرض کنم که از وقتی که بنده اینجا آمده ام می بینم که مجلس مایک مکتب خانه شده است و ابتدا نظمی در کار نیست و حضرتعالی هم نمی توانید از عهده انتظام مجلس بر آید و باین ترتیب هیچ نتیجه حاصل نخواهد شد .

**رئیس** - بنده اگر از عهده بر نیایم ممکن است بقصور خود مترضم ولی آقایان هم باید مواظب باشند که بتکالیف قانونی خودشان عمل کنند **حاج سیدابراهیم** - عرایض بنده گفته شد ولی بنده لازم می دانم عرض کنم که چون تعیین این شعبات قانونی نبوده است باین جهت در شعبات حاضر نمی شوم بجهت طرفیت با یکدسته بجهت این که من بیطرف هستم و این اخطار را هم برای این کردم که از اول دوره تابعال در هیچ کمیسویی غائب نبودم و امروز که غائب بودم برای این است که تعیین این شعبات برخلاف قانون بوده است .

**حسنعلیخان** - بنده عرض می کنم اینکه تمام پارلمانها یک نظامنامه داخلی برای

خودشان اتخاذ کرده اند این برای این بوده است که اگر مبیاضی و کلاه هر چه بنظرشان می رسد هر یک یک مطلبی را که بنظر من میرسد بخواهند داخل آن بشوند جلسات صد ساعت هم طول بکشد باز هم یک همچو مجلسی نتیجه نمیگیرد - بنده عرض می کنم این که ما بشخص رئیس تعرض می کنیم که چرا نظم مجلس را نمی دهد و شما از عهده نظم مجلس بر نمی آید و مواظب نیستید ما باید خودمان بخواهیم که رئیس مواظب نظم مجلس باشد تاریخ هم از عهده نظم بر آید وقتی که ما خودمان رعایت نظامنامه را نمی کنیم و می هر کدام بر می خیزیم و اظهارات خارج از موضوع می کنیم مسلماً رئیس از عهده هشتاد نفر بر نمی آید منتهی کاریکه می تواند بکند این است که از جای خودش بریزد و باطاق دیگر برود و مجلس بهم بخورد و بنده در جلسه گذشته و هم چنین در جلسه امروز می بینم که مطالبی اظهار میشود که آنقدرها که مانع تصور می کنیم ساده است ساده نیست بنده هم در جلسه گذشته و امروز می بینم که یک مطالبی عنوان می شود که در پرده یک چیزها هست که بر بنده مکتوم است و نمی دانم چه رای بدهم یک مطلب باین سادگی وقتی بنا شود در مجلس آنقدر در آن مذاکره کنیم پس در قوانینی که برای مملکت می خواهیم بگذاریم در آن قدر باید حرف بزنیم اگر و آنرا ما خودمان را حاضر بکنیم برای این که در کمال سحت هر چه نظرمان می آید بگوئیم خیلی کمتر از این که حرف می زنیم حرف خواهیم زد عرض می کنم که نظامنامه داخلی می گوید هر سه ماه سه ماه یعنی هر ۳ ماه شعب را از عهده حاضرین انتخاب میکنند بنده یک سئوالی میکنم که من اگر در این شهر حاضر نیاشم و غائب باشم و اصم بنده در یک شعبه باشد چه استفاده از اسم من خواهد برد چرا این قدر در این باب گفتگو میکنید چرا آنقدر مذاکره میکنید اشخاصی را که غائب هستند این قدر اهمیت نهید این یک مسئله نیست که ما این را موضوع مذاکره مجلس قرار بدهیم این قدر این مسئله را موضوع مذاکره قرار ندهید بعضی آقایان پیروز می گفتند که روزی ۷۰۰ تومان پول این ملت صرف آن بشود و جلسه را فقط برای این مذاکره بکنیم که عمر و در فلان شعبه باشد یا نباشد عرض میکنم که رئیس بوظیفه خودشان عمل بکنند و آنطوریکه واقعه مقصود از نظامنامه است رفتار بکنند این شعب را انتخاب بکنند و از مجلس بگذرانند و بنده این را امروز عرض میکنم که هر وقت هر دقیقه دیدم و کلاهی محترم بخواهند از موضوع مذاکره خارج بشوند من برخورد فرض کردم که این قدر در این مجلس فریاد بزنم که از موضوع خارج نشوند البته ترتیب مجلس این نیست بالله این بیست مطابق قانون اساسی باید ه نفر از علمای غنمه در مجلس داشته باشیم چقدر این مسئله سوء اثر میکند این علمای غنمه باید در مجلس باشند یا نباشند در صورتیکه قانون اساسی می گوید و حجج اسلام هم چند نفری را معین کرده اند این دیگر اشکالی ندارد انتخاب میکنیم

و البته مملکت ما امروزه موضوع این مذاکرات نیست ما باید شاالوده ای را بریزیم در سر شالوده ما نباید این قدر مذاکرات و وقت مجلس را تلف کنیم باید ملاحظه موقع را کرد و داخل گفتگو و مذاکرات شد .

**رئیس** - در صورت مجلس که دیگر ملاحظاتی نیست .

**میرزا اسدالله خان** - همین طوریکه در مذاکره صورت مجلس داخل شدید در یک مذاکره و آنرا خیلی کوچک فرض کردید و حال آنکه خیلی بزرگ است همان موضوعی را که هیچ اهمیت نمی دهند بنده می خواهم اهمیت بدهم بنده از چند ماه قبل می بینم هیئت رئیسه آنطوریکه لازم است آنطوریکه در تمام عالم می بایستی هیئت رئیسه بوظیفه خودش رفتار بکنند رفتار نمی کنند در تمام عالم یک هیئتی که اکثریت مجلس را تشکیل می دهد آن هیئت در موقع انتخاب رئیس را انتخاب میکنند رئیس که منتخب شد و رفت بکرسی ریاست خودش نشست آن رئیس دیگر مقاصد یک فرقه را نباید تعقیب نماید و یا با مقاصد دیگری همراهی نماید مقاصدش را زمین می اندازد ملاحظه آن فرقه و این فرقه را نمی کند این فرقه و آن فرقه را زیر پا می اندازد و مثل یک پدری یا مثل یک معنی بیک چشم بآنها نگاه در زیر دست او هستند نگاه میکنند ولی بدبختانه بنده از وقتی که آقای ذکاء الملک ( هر چند منزه اند بنده نمی خواهم عرض بکنم که بمقام ریاستشان بر بخورد ) ولی بدبختانه دیده ام و بخودشان هم یکی دو مسئله تجربه ثابت شده است که نمی تواند از عهده ریاست مجلس بطوریکه لازمت بر آید و حفظ بی طرفی را که اول وظیفه شخص رئیس است بکنند و می بینم که بقوه الکریسته که در بعضی چشمها یک قسمی است هدیه که حرکت کرد رئیس فوری بپیل آنها اقدام میکنند همین مطلب را که با نهایت بی اهمیت آنرا فرمودید ( خطاب بحسنعلی خان است ) بنده می بایستی تجدید بکنم معلوم شده است که پیروز دو ساعت وقت شما را گرفته است امروز هم دو ساعت وقت شما را تلف میکنند در صورتیکه اگر بی طرفی را منظور داشته بودند آنقدر وقت تلف نمی شد بنده فقط بوجدان یک خودشان وا می گذارم که اگر نمی توانند هر دو فرقه را بیک چشم نگاه بکنند طرفداری را کنار بگذارند و بیک چشم نگاه بکنند و اگر در نفوذ یک فرقه هستند مثل اینکه بمن نشان دادند که پیروز ترس داشتند که آن مسئله را مسکوت عنه بگذارند در صورتیکه رئیس مجلس وظیفه اش این بوده است که آن مسئله را در تحت مذاکره در آورد و اکثریت پارلمان هم طوری این مسئله را حل کند که بگذرد نه اینکه بطوریکه اظهار کردند فرقه کشیده شود در صورتیکه نمایندگان بیرون رفته بودند

**رئیس** - اما اینکه فرمودید که باید بی طرف باشم بنده بوجدان خودم که نگاه میکنم همین راحس کرده ام و میگویم و عرض میکنم آقایان نمایندگان بیطرفی را در این می دانند که طرفدار ایشان باشند و هر وقت که مخالف میل ایشان واقع شد رئیس را

نسبت می دهند بیک دسته دیگر و بنده بگوش خودم دیده ام که هر وقت بیک دسته مخالف ایشان میشود بنده را طرفدار آن دسته دیگر میدانند و آن دسته دیگر هم که مخالف ایشان میشود بنده را جزء آن دسته میدانند اما اینکه میفرمائید که کسیکه از عهده یک کاری بر نمی آید آنکار را رها کند شخص شما خودتان شاهدید و جماعت کثیری از این مجلس شاهدند که تا بحال سه مرتبه استعفا کرده ام و التماس کرده ام که استعفای مرا قبول بکنند و بنده را از این خدمت معاف بدارند و نپذیرفته اید و ممکن است که تجدید انتخاب کنند علی الخصوص با این اظهارات ... بنده چه عرض کنم همین امروز یک رئیس دیگر معین کنید در این موقع آقای رئیس از محل ریاست بر ساسته باطاق دیگر تشریف بردند و نمایندگان محترم نیز با استثنای ده یا زده نفر بیرون رفتند آقای هشترودی باطاق پارلمان عودت کرده اظهار داشت ما و کلای آذربایجان از امروز مستعفی خواهیم بود و از فردا عازم آذربایجان هستیم و آن عهده که در اطاق باقی بودند با تماشاچیان قریب یکساعت در پارلمان عودت کردند و مجلس مجدداً تشکیل شد .

**رئیس** - صورت مجلس را امضاء نمود .

**آقاسید حسن مدرس قمیسه** - جان گرگان و سگکان از هم جداست متحد جاهلای شیران خداست

ما همه شیران ولی شیر علم حمله مان از باد و ناپاید است باد جان فدای آنکه ناپید است باد عرض میکنم که آقایان اقدام مادر امر مشروطیت و حفظ اسلام بفرض بکل واحد است یا بفرض عائد بنوعیت تعیین است در این مجلس مقدس که خونها ریخته شد و اموال از میان رفت تا این که مقصود ما برپا شد البته باید اعمال آن قوانینکه حفظ این فرض اصلی است کرده شود و آن موقوف بر کلمه جامعه اتعاد است یعنی اتعاد در فرض نه اتعاد در سلیقه البته حمایتی از عقلا سلیقه شان در مطالب مختلف است اما در فرض یکی است باید حفظ آن مرتبه را کرد چند روز است که چنین می نمایم در مجلس که بعضی اختلافات دیده میشود که یقیناً این اختلافات مجرب است و از هر کسی هم اظهار شود انشاء الله محمول بر ندانی است و جهالت و سهو نسیان مثل من و الاشان و کلا که بمنزله ملبونها از مسلمین هستند اجل از این است که از روی فرض و خدا نخواسته از روی عمد اقدامی که موجب ضعف و سستی این اساس باشد بکنند بنده عرض میکنم از رئیس و مرئوس و تمام آقایانیکه بعضی بیاناتی که اسباب انزجار قلوب خود و کلا است و طمقات دیگر که حماة اساسی مشروطیت هستند مهمانکن باید این اساس را حفظ کنند و او اینکه ناملازم بابعضی طباع باشد بواسطه اینکه فرض اصلی به بعضی از جزئیات نباید از بین برود و الا این فرض جزئی است اما در مسئله ای که امروز اتفاق افتاد البته سید القوم خادمهم رئیس هر قومی باید حافظ و خادم آن قوم باشد مولای ملتبان از برای قضیه ریاست بیاناتی فرمودند و از آن جمله است که رئیس باید قوه قاهریت داشته باشد و نسبت تمامی مرئوسین

باوعلی السویه باشد بنده خواهشیم که به نحو اخوت و یکجتهی از رئیس و مرئوس عالی و ادانی و کل آن کسانیکه عاشق این اساس مشروطیت هستند که خذالفایات و ارتک المبادی این جزئیات را متار که باصل فرض و اصل مقصودی که برای تمام مسلمانان است بپردازند و ابداً نکتگی گیری از هم دیگر نکنند .

گر بر سر نفس خود امبری مردی بد برد گر آن خورده نگیری مردی مردی نبود فتاده را پای زدن

گرد دست فتاده ای بگیرد مردی بنده خدمتگزاری میکنم خورده گیری از هم دیگر کردن و بجزئیاتی که ابداً بدر دین است فرقی نشده نمیخورد چه فایده دارد بجز تاف کردن وقت مجلس که یک جلسه اش را قیمت کرده اند مقصد تومانی و بنده دقیقه اش را میگویم مقابل تمام دنیا قیمت دارد بواسطه اینکه در یک دقیقه میشود حرفی زد و قانونی وضع کرد و نظم داد و کاری کرد که چقدر نتیجه دارد در دنیا و آخرت همچو اوقاتی را صرف کنند - در اغراض شخصی و نکتگی گیری و این لفظ معنیش اینست - اکثریت این است نه آنست - خدای نخواسته با این لفظ که محض لفظ بدون مصداق است با انضمام این العاطفی که مصنوعی بی مصداق است و محض تزیین عمر و اوقات مجلس است این عرض بنده بود .

**رئیس** - همه آقایان میدانند و بغاظرشان هست که آنروزیکه خواستند بنده را بسمت ریاست انتخاب کنند چقدر اصرار کردند جهش هم این بود که دو عولت داشت یکی اینکه خود را قابل میدانستیم و یکی اینکه میدانستیم و از اظهار آقایان محسوس بود که نظریه بنده میکنند مثل یک شخص بی طرفی و میدانستیم که بعد از چندی که ریاست کردم این نظرم ترقم خواهد شد یعنی این لازمه آنست بعد از آنهم که این امرواوع شد مکرر اظهار کردم و استعفا کردم و نپذیرفتند و اگر هم از تحمل کردم بملاحظه این بود که خواستم حتی الاکان در مملکت و مجلس شورای ملی که مرکز این مملکت است یک بحرانی و یک غوغائی نشود در کارهای دیگری هم که در هر موضوعی کرده ام بیشتر همیشه نظرم باین بوده است بوجدان خودم که نگاه میکنم همیشه نظرم به بیطرفی بوده است و بخدمتگزاری وهم چنانکه مکرر اظهار کردم ریاست را بنده هینطوریکه از اول نمیخواستام و خودم را قابل میدانستم ام بعد از این هم قابل میدانم و حاضر هم نخواهم بود از برای اینست که تمام افراد ملت و لیکن چون ممکن نیست تمام افراد ملت حکم بکنند در یک مسئله هم جنبه سلطنتی دارند وهم جنبه ملی ولی این مسئله یعنی علمائی که عضویت دارند در مجلس شورای ملی باین سمت منتخب شده است یعنی بیست علمی و آقایان علماء که بیست نفر را به مجلس مع فی میکنند از جهت این است که مثل طبقه بندی که سابق در موقه انتخاب بود طبقه بندی شود این طور نیست که بگوئیم بیست نفر را انتخاب کردند و پنج نفر را باید از میان آنها در مجلس انتخاب کرد و وقتی که چند نفر از آن بیست نفر متوفی یا مستعفی شدند و از آن بیست نفر کسر شد بگویند یک عهده آراء کسر شد از برای اینکه آن فایده و استفاده که مجلس شورای ملی خواسته باشد از آنها بکنند میکنند مثالی میزنیم که اگر در ظرف بایدست ظرف شیرینی را پیش خود بگذاریم و بگوئیم شیرین است

غیر از دستور داده نشود .

**رئیس** - حالا اگر چه این پیشنهاد عین قانون است و باید همینطور با عدول چون بعضی آقایان ممکن است همراه نباشند رأی میگیریم کسانیکه این پیشنهاد را قبول دارند تیم نماینده اقبال قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد .

**رئیس** - در دستور امروز انتخاب و نفر از علماء است بجای یک نفر که مستعفی است و یک نفر که متوفی است حالا باید آنها را انتخاب کنیم یک پیشنهادی هم در این باب شده است پیشنهاد مزبور با مضای افتخار الواعظین و ۱۶ نفر از نمایندگان محترم باین مضمون قرائت شد :

بنده پیشنهاد میکنم که انتخاب دو نفر از علماء غنمه را از میان عهده معرفی شده بمجلس همین امروز جزء دستور گذاشته و انتخاب بشود .

**رئیس** - جزء دستور بودنش که بوده است ولی آن قسمتش را که باید محل رأی قرار داد فقط انتخاب آن دو نفر است چیزی که از پیشنهاد باقی است مسئله انتخاب امروز است .

**وهجت** - در جلسه سابق بعضی مذاکرات شده و یک مطلبی که می بایستی شروع بانتخابات بشود اسباب تمویق شد لازم می دانم بعضی شبهاتی که شده است رفع نمایم آنچه صریح قانون اساسی میگوید این است که آقایان علماء بیست نفر را به مجلس معرفی میکنند آنچه مطابق قانون اساسی است ما باید رفتار کنیم گاهی بعضی امثال و نظایر چنانچه نزدیک میکند بمقصود هم چنانکه بعضی آقایان می دانند دور هم میکنند ما گاهی مشبه میکنند انتخابات علماء را با انتخاباتی که از برای وکلای مجلس شورای ملی است یعنی بطور غیر مستقیم از مجلس می شود این اشتباه نبود این آقایان نماینده علمی هستند نه نماینده شخصی آقایان در جزعمنتخبین رایشان را داده اند نه اینکه این آقایان بیست نفر را انتخاب کرده اند که آنها هم از بین خودشان پنج نفر را معین بکنند تا اینکه ما بگوئیم جمع آوری آراء است یعنی جمع آوری آراء ملت است در باره این پنج نفر این طور نیست این اشتباه است در صورتی که همه آقایان مسؤلفند هیئتی که دارای قوای ملی هستند یعنی مجلس شورای ملی آن حقوق که برای یک شخص سلطان غاصب تصور می شد حالا برای تمام افراد ملت ولیکن چون ممکن نیست تمام افراد ملت حکم بکنند در یک مسئله هم جنبه سلطنتی دارند وهم جنبه ملی ولی این مسئله یعنی علمائی که عضویت دارند در مجلس شورای ملی باین سمت منتخب شده است یعنی بیست علمی و آقایان علماء که بیست نفر را به مجلس مع فی میکنند از جهت این است که مثل طبقه بندی که سابق در موقه انتخاب بود طبقه بندی شود این طور نیست که بگوئیم بیست نفر را انتخاب کردند و پنج نفر را باید از میان آنها در مجلس انتخاب کرد و وقتی که چند نفر از آن بیست نفر متوفی یا مستعفی شدند و از آن بیست نفر کسر شد بگویند یک عهده آراء کسر شد از برای اینکه آن فایده و استفاده که مجلس شورای ملی خواسته باشد از آنها بکنند میکنند مثالی میزنیم که اگر در ظرف بایدست ظرف شیرینی را پیش خود بگذاریم و بگوئیم شیرین است

اگر یکی شکست واز بین رفت باقی دیگر شریک نیست نمی شود عدوش کسر شده کیفیتش که کم و کسر نمی شود بلی از منتخین درجه اول که کسر میشود عده از اکثریت می رود آنجا که گفته شد در درجه ثانی استعفا داد چون اعتبار نامه اش قبول شده بود قبول شد و بجای او انتخاب شد چون سابقه دارد و گفته شد که سابقه حکم قانون دارد و از آن راهم باز یک فرق واضی اینجا می بینم و می بینم که هر یک از این منتخین درجه اول دارای عده آراه هستند که اگر ما آنجا خواسته باشیم در میان آنها یکی بجای او انتخاب کنیم در اینجا این طور نیست بجهت اینکه وقتیکه عده نمایندگان تکمیل بود وقتی که یکی رفت کسر خواهد شد ولی این انتخاب از خود مجلس است می خواهم از آقایان سؤال کنم که وقتی که از این بیست نفر پانزده نفر رفته و پنج نفر باقی ماند آن سمتی را که علماء در حق آنها معین کرده اند می رود یا نمی رود مسلماً نمی رود باز هم باقی است بنابراین تعقیق بنده در اینجا تقاضا دارم که این دو نفر انتخاب شود باید الان شروع کنیم با انتخاب یک مسئله دیگر اینجا است که باید عرض کنم که دو نفر دیگر معرفی شده اند آیا باید پذیرفته بشوند یا نباید پذیرفته بشوند بجهت اینکه ما هیچ معذور مانع قانونی نداریم که آنها را بپذیریم نهایت می گوئیم آن سمتی را که در بیست نفر بوده است حالا در این دو نفر هم هست ولیکن آن بیست نفر یک سمت معرفی پیدا کرده اند یا باید بگوئیم که باز همان سمت معرفت است بنده عرض می کنم اگر بجای بیست نفر چهار نفر دیگر معرفی بکنند و گفتند این چهار نفر قابل انتخابند باید بگوئیم که معرفی این چهار نفر باطل نیست باز مجلس از آن چهار نفر انتخاب می کند اگر هزار نفر هم باشد از آن هزار نفر انتخاب میکنند بنا بر این تعقیق خواهش میکنم همین الان رای بگیریم و انتخاب شود .

**رئیس -** اگر مجلس موافق است انتخاب می کنیم - حالا یک مسئله هست که بعضی پیشنهاد کرده بودند که در این خصوص قرعه نباشد انتخاب باشد .

**بهجت -** اختار قانون اساسی دارم قانون اساسی میگوید که باید پنج نفر از آن بیست نفری که معرفی میشوند انتخاب کرد حالا اگر یک نفر از آنها متوفی و یا مستعفی بشود مسلماً باید عوض آنها را انتخاب کرد و نباید نقض قانون بشود

**آقا شیخ حسین یزدی -** چند کلمه می خواهم پیشنهاد آقایان بکنم که آقای آقا میرزا سید محمد بهجهانی یک کسی میگفت مساعدت و همراهی ندارند حالا چون ظاهر آه راه نیستند خوبست همان آقا شیخ اسمعیل که تازه معرفی شده اند همان را انتخاب بکنید شاید اکثریت هم حاصل شود .

**هشترودی -** قانون اساسی میگوید انتخاب باید یک قرعه این ترتیب نیست که اول انتخاب بعد قرعه تجیز است شروع با انتخاب و بقاضای آقا میرزا احمد اسامی غیر منتخین قرار شد .

اوراق رای اندخته آقایان هشترودی - ادیب التجار

صدرالعلماء بحکم قرعه معین با اتفاق آقای حاج میرزا رضاخان اوراق را احصاء نمودند و نتیجه بطور ذیل اعلام شد :

**معاضدالملک -** عده حاضر ۷۶ در قرعه سفید ۳ آقا شیخ اسمعیل مجلاتی با اکثریت ۶ رای آقا - شیخ اسمعیل رشتی با اکثریت ( ۴۳ ) رای آقا سید مصطفی با ( ۱۰ ) رای آقا میرزا سید محمد بهجهانی با ( ۹ ) رای آقا سید علی کازرونی با ( ۸ ) رای - آقا میرزا حسین نائینی با ( ۴ ) رای آقا نورالدین عراقی با ( ۳ ) رای باقی هر کدام با یک رای - پیشنهاد آقای افتخار الواعظین بقرار ذیل قرائت گردید چون از ترتیب انتخاب اول معلوم شد که اتفاق نخواهد شد بملاحظه اینکه وقت زیادی صرف نشود بنده پیشنهاد می کنم که قرعه معین شود .

**کاشف -** عرض بنده مختصر است ولی اینجا آدم که عراض بنده شنیده شود در جلسه گذشته که مذاکرات زیادی در باب انتخاب آقایان شد و بنده یک پیشنهادی کرده بودم و در آن پیشنهاد ذکر کردم که نظر نمایند و تمکین آقایان آیات الله را بکنند اگر مجلس تمکین نکند در موضوع آقای آقا شیخ اسمعیل رشتی که بنده کمال نصرت را در وجود ایشان دارم یک پیشنهادی کرده بودم و امروز هم خوانده شد ولی حالا که رای آقایان تا یک اندازه معلوم شده است اکثریت با دو نفر است با هم بنده در یک جلسه سابق راجع بقرعه و انتخاب عرض کرده ام و باز هم وظیفه وجدانی خود می دانم که باید اظهار بکنم که از قرعه تا انتخاب خیلی فرق خواهد بود در استفاده اگر آقایان موافقت کنند از اتفاق انتخاب این دو نفر وجود محترم گمان می کنم که خیلی مامستفیع خواهیم شد و قرعه را در این موضوع اعمال نکنیم .

**محمد هاشم میرزا -** عبارتی که این جانوشته محتاج به پیشنهاد نخواهد بود نوشته است یا با اتفاق یا بقرعه ترتیب نیست که اول انتخاب کنند و بعدا اگر اتفاق نشد بقرعه معین کنند اگر آقایان صلاح می دانند بدون اینکه در این پیشنهادها رای گرفته شود بقرعه معین کنند مثل آنکه دو نفر دیگر را که معین کردیم بدون انتخاب بود و قرعه زدند حالیه آراهم بقرعه معین کنند و این مسئله نظیر دارد که چهار مرتبه رای گرفتیم و نتیجه حاصل نشد و ابداً تردیدی در این نیست که آقایان بزرگوار بقیقتند .

**رئیس -** ملاحظه بفرمائید مفاد این پیشنهاد این است که مجلس از این انتخاب منصرف شده است و آقای افتخار الواعظین این پیشنهاد را که کرده اند این را معلوم میکنند اگر مجلس رای داد معلوم می شود که رای از انتخاب منصرف شده است و باید بقرعه معین شود پس برای پیشنهاد رای می گیریم اگر رای مجلس بر این شد که قرعه کشیده شود بقرعه انتخاب می کنیم و الا با انتخاب خواهد بود باز هم رای میگیریم .

ثانیاً پیشنهاد مزبور قرائت شد .

**رئیس -** رای میگیریم برای پیشنهاد کسانی - که موافقت قیام نمایند ( اکثریت شد ) شروع انتخاب بقرعه شد اسامی اشخاص قابل انتخاب قرائت شد .

**آقای حاج میرزا رضا خان** مستخرجین سابق استخراج اوراق نمودند و آقایان حاج شیخ محمد هادی قاینی و حاج میرزا ابوالحسن انجری بقرعه منتخب شدند .

**رئیس -** آقایان حاج محمد هادی قاینی و حاج میرزا ابوالحسن انجری منتخب شدند . قانون عتیقات در دستور است شور کلی در آن شده است و رای داده شده است در این که داخل شور مواد شویم (قانون عتیقات) بشهاد وزیر .

ماده اول - حفر اراضی مملکت ایران در طلب اشیاء عتیقه جداً ممنوعست مگر بعد از تحصیل اجازه رسمی از وزارت معارف - کمیسیون عتیقات تصویب کرده بود .

**حاج آقا -** بنده در این قانون عرض کردم و الان هم راجع باین ماده عرض می کنم که تشکیل یک اداره مخصوصی در این وزارتخانه بجهت عتیقات بنده هیچ مصلحت نمی دانم و چون در این ماده عنوان اداره عتیقات هست و اگر ما رای بدیم باین مطلب یک تشکیل اداره عتیقات را امضاء کرده ایم این عبارت را تقاضای کنم حذف شود و اگر وزارت فوائد عامه هم یک نظری داشته باشد همانطور که بنده سابق عرض کردم باید یک نظر مخصوصی داشته باشد یک اداره و ترتیب اداری تشکیل شود و باز اسباب بخارجی از برای دولت و نان بجهت جمعی نباشد و باز هم باید ملاحظه بکنیم که اداره عتیقات ما یک اداره مفصلی نیست که ما بخواهیم یک اداره مفصلی فراد بدیم که یک منشی یک اندیکاتور نویس و دفتر دار چه و چه و یک ترتیبی داشته باشد آنوقت اسمش را بگذاریم اداره عتیقات و اگر هم باید یک نظریاتی داشته باشیم در ضمن اداره در آن خانه باشد بهمان ترتیب که عرض شد .

**منتصر السلطان -** مستدعی هستم که نمایندگان محترم لایحه ای که آنروز داده شده و خوانده شد و اصلاحی که شد و هیئت رئیسه هم رای گرفتند و اویج خودشان را بیرون بیاورند و وقت کنند ببینند که اداره عتیقات مبدل شد وزارت معارف و مدتی وقت خودشان را تلف نکنند پس متمنی هستم که خیلی دقت بکنیم و وقت مجلس را ضایع نکنیم

**رئیس -** بلی آنروزیکه شور در کلیات شد آنوقتی که بنا بود رای کلی بگیریم رای گرفته شد در اینکه همین قدر نوشته شود که از وزارت معارف اجازه بگیرند .

پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم بقرار ذیل قرائت شد .

این بنده پیشنهاد می کنم که ماده اول این طور نوشته شود : حفر اراضی در املاک شخصی در طلب اشیاء عتیقه در مملکت ایران مجاز است ولی با اطلاع و استحضار وزارت معارف .

**منتصر السلطان -** اینجا می خواهم عرض کنم که این ماده که الان پیشنهاد کرده در ماده دوم است منتهی عبارتش یک قدری تغییر دارد ولی به همین طور از کمیسیون تقدیم شده است که خود آقا میرزا ابراهیم خان نایب رئیس کمیسیون هستند و انشائش را خودشان کرده اند و خیلی صحیح است

و این را کمیسیون هیچ لارم نمی داند و همان ماده که از کمیسیون پیشنهاد شده است بهتر می داند .

**آقای میرزا ابراهیم خان -** اگر چه بنده دوم هنوز نرسیده ایم ولی چون اصل موضوع این پیشنهاد از طرف وزارت معارف قفسدش از این پیشنهاد این است که اجازه بدهد از برای انکشافات اشیاء عتیقه اگر قفسدش این بود که اجازه ندهد و ما می گفتیم جداً ممنوعست عیب نداشت ولی چون اصل این پیشنهاد قفسدش براهی است لهذا بهتر این است که بگوئیم حفریات مجاز است ولی بعد از اجازه از وزارت معارف در صورتی که اجازه فرمودند آنوقت بجای ماده اول گذاشته می شود .

**منتصر السلطان -** چون ماده اول ماده اساسی است که در واقع اجازه بدولت داده می شود برای رسیدگی باینکار و آن ماده دوم وقتی که داخل مواد شدیم و اختصاص بدولت دادیم برای آنکه هر کس می خواهد مشغول حفر بشود از دولت اجازه بگیرد این است که ماده دوم آنچه را که آقا پیشنهاد کرده اند در آن ذکر می شود چرا این را در ماده اول ذکر بکنیم آن اختیاری که براهی است دولت است و آن احترامی که بدست دولت گذاشته می شود ثبت می شود باینجهت نوشته شده است که حفر اراضی مملکت ایران در طلب اشیاء عتیقه جداً ممنوع است مگر بعد از تحصیل رسمی از وزارت معارف فقط این احترام را مادامه ای بدولت که بیاید از دولت اذن بگیرند و در ماده دوم آنوقت راجع باراضی که متعلق باشخاص است ذکر میشود این است که نمی شود آنرا تغییر بدیم در ماده اول

**حاج سید ابراهیم -** بنده موافقم با آقای مغیر عرض می کنم که این پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم خان فقط این است که در املاک شخصی استرضا اجازه صاحب ملک باشد که در ماده دوم ذکر شده است و اینکه در ماده اول اجازه دولت را تهیه کرده اند این خیلی موافق است با تصویب دولت مالیات دولت اختصاص ندارد بملک کسی تمام املاک در مقابل دولت علی السواست تمام املاک یک حال دارد این قید ممنوع است و جداً لازم نیست .

**حاج شیخ خلی -** این ماده خیلی خوبست اما یک سلب آزادی میکند اراضی مملکت ایران تمامش ملک دولت نیست و هر کس که می خواهد حفر کند چنین نیست که ملک داشته باشد بلکه یک نفر ملک شخصی خودش را خواست حفر بکند و اشیاء عتیقه بدست بیاورد آیا ملاحظه این خلاف آزادی را کرده اند و بخیر و عقیده بنده این است که عبارت یک شکلی نوشته شود که باملاک شخصی برنخورد همه مال دولت نیست که هم جماعاً ممنوع باشد مال دولت صحیح است اما منع کردن از حفر اراضی شخصی صحیح نیست .

**بهجت -** اولاً بنده مخالفم با آقای مغیر که اینجا لفظ اداره را برداشته اند و وزارت گذاشته اند و طرفدار آنچه می هستیم که از کمیسیون گذشته است بنابراین توضیح می دهم که مقصود از وزارت شخص وزیر یا کابینه وزیر است یا یک اداره است از او اجازه بخواهند بدیعی است که مقصود یک

اداره است در آنجا این اقدامات می شود بنا بر این تقریر باید یک اداره ای باشد که مردم از آنجا تحصیل اجازه بکنند علاوه جواب حاج آقا را می خواهم عرض کنم که قانون تشکیلات غیر از قانون اداره عتیقات است هر وقت قانون تشکیلات آمد و خواستند اداره برای عتیقات تشکیل بدهند شما میتوانی ضدیت بکنید والا ناچاریم بدیم بدست یک اداره یا باید بگوئیم عتیقات بکلی آزاد باشد و هیچ اداره نداشته باشد طریق انتظاماتش و تشکیل اداره آن هر وقتی که آمد شما میتوانی این اظهار را بکنید بنده طرفدار این هستم که عتیقات یک قانون می خواهد و البته راجع بوزارت معارف است و لابد راجع به یک اداره است و البته آن اداره باید یک ترتیبی بدهد بعتیقات این مسئله ای نیست اشکالی هم ندارد و اما آنچه می بینم که آقایان میفرمایند که اگر کسی بخواهد در ملک خودش حفری بکند اگر اجازه دولت باشد سلب آزادی میکند بلکه آزادی هم حق نمی دهد که آدم در سرحد ایران وارد شود مال خودش را بگرد که آدم در سرحد ایران وارد شود مال خودش را بگرد بکند بدهد بلی قانون همیشه منافی آزادیست البته آن اندازه آزادی نیست آن آزادیست است که آزادی مطلق است اما مسئله عتیقات در جزء مایعات املاک نیست آثار عتیقات و سلاطین قدیم هیچوقت اگر من یک کاسه را فروختم و یک چیز در آن بود یا یکسکه ای را فروختم یک چیزی در آن بود این ملک او نمیشود عتیقات یک قانونی دارد که هر کس می خواهد حفر بکند اراضی را و عتیقات پیدا بکند البته باید از روی آن قانون اجازه از دولت بگیرد والا اگر یکسره اینطور باشد برضد تمام قوانین میگویند چون مخالف آزادی است نباید وضع شود قانون همیشه تعدید آزادی را میکند ببینید غیر از این است پس وقتی که یک قانون وضع میشود نباید گفت منافی آزادی است البته منافی آزادیست و باید یک قانونی وضع شود در حفر عتیقات .

**رئیس -** از برای آنکه مباحثات بطول نینجامد یادآوری می کنم که در باره اداره عتیقات و معارف هیچ لازم نیست مذاکره کنند قانون تشکیلات وزارت معارف که آمده است و رای داده ایم وزارت معارف هم میباید اینجا از اداراتش هر چه بخواهند کم بکنند میتوانند و اما این که اینجا نوشته اند وزارت معارف هیچ عیب ندارد وزارت معارف کافه منویسد اجازه می خواهد در وزارت معارف در این که یک اداره است حرفی نیست اما در مسئله موضوع مطالب مذاکره بفرمائید .

**آقای محمد پروجردی -** بنده در آن روزی که شور در کلیات این قانون شده است بنده با اجازه غائب بودم حالا یک عراضی لازمی بطور کلی دارم که بر اغلب مواد برمی خورد و اگر اجازه بدهند عرض کنم و الا در ضمن شور مواد عرض کنم .

**رئیس -** درمورد فرمایش بکنید چون در کلیات شور شده است برای گرفته شده و داخل مواد شده ایم حالا اگر در مواد فرمایشی دارید بفرمائید .

**آقای محمد -** در این ماده عرضی دارم .

**آقای میرزا ابراهیم قمی -** عرض می کنم اراضی ایران سه قسمت است یکی مال دولت است مثل خالصه

یک قسم هم آنست که بایر است که مالک ندارد یک قسم هم آن اراضی است که مالک دارد آنجا که مالک معین دارد دولت ابداً حق ندارد اگر خود مالک اجازه نداد دولت حق اجازه دادن ندارد و این که آقای بهجت فرمودند وزارت معارف سه شعبه است یکی وزارت فوائد عامه یکی وزارت اوقاف یکی هم علوم و معارف این راجع بوزارت فوائد عامه است یک اداره دیگری نمی خواهد و همان فوائد عامه که نوشته عیب ندارد .

**حاج شیخ الرئیس -** بنده اساساً خیلی خودم را حاضر میدانم و خوشوقت از این که از مالیه های مستقیم و غیر مستقیم قانونی برحسب مقتضیات وقت مصلحت حالاً یک منبع ثروتی از برای دولت و ملت تحصیل بشود و البته بجز از آن منابع همان عنوان اداره عتیقات است ولیکن چون در ضمن فرمایشات آقای نمایندگان فرمایش کردند که ناچارم وظیفه وجدانی خود را تأدییه کنم و آنچه بخیال رسیده و لازمست عرض بکنم و اگر شبهه ای برای بنده شده است بار توضیح میدهم که رفع شبهه شده باشد و آن این است که اگرچه فرمودند که هر قانونی جلوی آزادی را میگیرد بنده آن را قبول دارم بجهت اینکه این مطلب همان سوء تفاهمی است که بعضی از دشمنان این مملکت بعضی مغرضین و مفسدین یا حامیان مستبدین و دشمنان دولت و دین میگویند که بنده و امثال بنده حامیان مشروطه یک آزادی غیر مشروطی را می خواهم و اینهمه خونها که ریخته شده برای یک آزادی منجوس و مملونی که هیچوقت طرف توجه اهل اسلام که سهل است بلکه هیچوقت طرف توجه هیچیک از ملل عالم و متدینین بنی آدم نبوده است البته قانون جلوی آزادی را میگیرد اما کدام آزادی غیر مشروع آن علی اموالهم و انفسهم - حالا آنجای خودش هیچ نظری با اداره عتیقات ندارد و هیچ کار با اینکه در این حفریات دقینه و خزینه پیدا بکنند دارد خیال دارد در خانه خودش یک آب انباری بکند در این بین هم یک گنجی یک دقینه مشکوک یا غیر مشکوک پیدا شد و بنده عرض میکنم و جداً خاطر آقای بهجت را که عالم شرعیات هستند متوجه می دارم تعجب میکنم که این جا که در غیر ممالک اسلامی در باره سیاسی معمول است آنها را بیکه مطلعند میدانند چه عرضی می کنند که بعضی ها عقیده شان این شده است در فرنگستان که کسی بکسی انتقال میدهد فقط همان سطح زمین را به او انتقال میدهد فقط یک اندازه که میتواند که یک درخت بکارد یک جونی احدث بکند و الا تا اعماق ارضی و یا تخوم ارضی داخل در ملک او نیست و نه باو منتقل شده است تا چه رسد بآن چیزیکه در تخوم او است که خوب ندارد و باج نه مشتری که در آن چیست و این مطالب برخلاف قانون شریعت مقدسه طبیعه ظاهر است یعنی حالا هم فرنگیها همین را ترجیح میدهند که زمین را که کسی بمن فروخت از سطح زمین الی غان السماء از سطح زمین میرود باصلاح من تا تخوم زمین را با باصلاح برود تا بشاخ گو بر بخورد من مسلط می توانم

آنجا حفر بکنم و تا هر جا بکنم مال من است ولودر حین بایمه ابدأ بذهن من که مشتری و بذهن آنکه بابع بوده است نگذشته است بلی شارع مقدس در این جا يك قانونی قرار گذاشته است که يك خمس و اگر اجازه بدهید و البته میباید برای اینکه بیت المال مسلمین حالا در دست يك حکومت عادلانه است آنچیز که بخص میباید دولت باید ضبط کند و باید دانست که مصارف خمس يك مصارف مخصوصی است که بدو خواهد بود در مخصوصی نیست .

**بجهت** - بنده عرض میکنم وقتی که يك زمینی که منتقل بکسی شده است تا غان السماء و تا اعماق الارضی منتقل بناو میشود همینطور هم فضا قابل نقل و انتقال است همین طور تا نخوم ارض ولی عرض میکنم يك خانه را فرض بفرمائید که اثار پادشاهان در آن خانه مانده است و آنخانه را بعد بیکی فروختند و در آن خانه يك جمهه که در آن جواهرات یا اشیاء نفیسه در آن بوده است هیچ وقت نباید آن جمهه را باو داد و در آن سند می نویسیم مخصوصاً متعلقات شرعی و عرفی آن آثاریکه از سلاطین قدیم مانده است نه از متعلقات شرعی است نه عرفی و هیچکس این خیال را نمی کند و مختص است بدولت و کسی نمیتواند در آن تصرف کند .

**حاج شیخ رئیس - توضیح دارم .**

**رئیس** - توضیح که بدون نوبت باید داده شود وقتی که در يك حرفی سوء تفاهمی شده باشد حالا اگر حضرت عالی تعقیب دارید تعقیب غیر از توضیح است

**حاج شیخ رئیس - بلی تعقیب دارم .**

**رئیس** - در موقع دیگر باز ممکن است بفرمائید .

**مؤمن الملك** - آفر مایشی را که آقای حاج شیخ رئیس کردند عرض بنده هم گفته شد بنده این ماده را صحیح نمیدانم برای اینکه همانطور که گفته شد اعماق زمین را مسلماً بنده هم تابع سطح زمین میدانم در این صورت بنده صلاح نمیدانم که نوشته شود اجازه بگیرند و حرفی که نوشته شده که از دولت اجازه بگیرند مثل این است دولت حق دارد که اجازه بدهد و هیئت و ربکه آقای حاج شیخ رئیس تقریر فرمودند می توان يك مالیاتی وضع کرد و می توان گفت که هر کس در ملک خودش حق حرفیات دارد ولی بشرطی که بوزارت فوائد عامه اطلاع بدهد و مالیات آنرا بطوریکه مجلس مقدس معین میکند بدولت بدهد چون مطلب گفته شد دیگر بنده عرضی ندارم .

**منتصر السلطان** - این را آقای مؤمن الملك فرمودند که بجای این ماده مادامی نوشته شود تقریباً این قسم که هر کسی اراضی را حفر کند و يك چیزی پیدا کرد از زیر خاک مالیاتی بدولت بدهد و اطلاع بدهد و اگر چیزی پیدا شد حقوقی بعنوان مالیات بدولت بپردازد و پس در واقع اینکه میفرمائید اطلاع بدهد مالیات بدهد او را مجبور میکنم که مالیات بدهد و همچنین مجبور کردن عین همان اجازه گرفتن است که من که رفتم اجازه گرفتم که حفر کنم فلان چیزی را که پیدا کرده ام بیایند مالیات آن را بگیرند این عین همان است که

مجبور است یعنی من میخواهم بروم در زمینی که خاصه یا محلی که صاحبش معلوم نیست یا زمین خودم را فرضاً میخواهم مشغول حفر شوم و يك اجازه میخواهم که مفتش شما بیاید و اگر چیزی در آمد آن مالیاتی که شما مقرر کرده اید و مجاس رای داده است آن مالیات را بدهم باید بکنفر مفتش معین شود که بدانند در کجا مشغول حفر شده اند و چه بیرون آورده اند والا اگر فرضاً صد هزار تومان پیدا کرد فردا بگوید هزار تومان پیدا کرده ام پس همان اطلاع داد که مجبور شد بکنند همان تحصیل اجازه است که باید باشد پس هیچ فرق نمیکند اینجا بنده همین ماده را بهتر میدانم که از کبیسون گذشته است

**رئیس** - حالا باید در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم خان رای بگیریم - این پیشنهاد خوانده می شود و رای گرفته میشود ( مجدداً پیشنهاد مزبور قرائت گردید )

پیشنهادی از طرف آقای دکتر علیخان قرائت شد

**اصلاح** - بنده پیشنهاد میکنم بجای لفظ اجازه در ماده اول لفظ اطلاع نوشته شود .

**کاشف** - اولاً بنده پیشنهاد آقای آقامیرزا ابراهیم خان را رد میکنم بواسطه اینکه در این ماده موضوع ندارد چونکه ابتدا مقصود دولت املاک شخصی بوده است خیلی از املاک است که ملك شخصی دولت است و شاید من اصل مقصود کبیسون همان است از اینجهت بنده نمی توانم آن پیشنهاد آقای آقامیرزا ابراهیم خان را تصویب کنم و در موضوع پیشنهاد آقای دکتر علی خان هم که می فرمایند بجای لفظ اجازه اطلاع نوشته شود اجازه و اطلاع هر دو یکی است و این که اجازه داده شود با اطلاع حرفی ندارم باز آنهم همان شکلی که مقصود دولت است بعمل می آید پس مقصود این است که کلیه اشخاصی که میروند حفر بکنند با اجازه دولت باشد والا شاید خیلی چیزهای انتیک در آن پیدا می شود و میبرند بدون اینکه اطلاع بدولت بدهند مقصود این است که آنها بدون اطلاع این کار را نکنند و با اجازه باشد همانطوریکه آقای حاج شیخ رئیس فرمودند بدولت بدهند و این صدی بیست همان خمس است فرق نمی کند .

**دکتر علیخان** - اینکه فرمودید اجازه با اطلاع هیچ فرقی نمی کند بنده گمانم این است خیلی فرق میکند فرضاً از اطلاع این است که اگر دولت بخواهد اطلاعی پیدا کند باید اطلاع پیدا کند بدون اطلاع ممکن نیست والا من زمین خودم را حفر می کنم و ممکن است دولت اطلاع نداشته باشد این غیر از اجازه است که من از دولت اجازه بگیرم وقتی که اطلاع دادند بدولت دولت حق دارد اجازه بدهد همینقدر نوشته شود بجای لفظ اجازه اطلاع داده خواهد شد بهتر خواهد بود .

**دکتر حیدر میرزا** - بنده اطلاع از قدیم و جدید دارم و این عبارت را اینجا خیلی صحیح میدانم برای این که خاک ایران آثار عتیقه زیاد دارد که ما نمی شناسیم و قیمت آنرا نمی دانیم یا رساله گذشته بعضی اشخاص و فرق نمی شود آمدند بعضی حرفیات کردند چون غرضشان جواهر نقدینه مسکوک نیست غرضشان عتیقات است که شاید سنگی پیدا شود که در

نظر ما پنج قران نمی آرد شاید قیمت آن پنج هزار تومانست نظر باین مقصود اقتادند در اطراف طهران شروع بحفریات کردند و خیلی اشیاء عتیقه قیمت خیلی نازل زدند و بردند زیرا که مانده اشخاصی داشتیم که تقویم این اشیاء را بکنند و بدانند که اینها چه قیمتی دارند چه چیز است از این جهت است که حقوق خیلی نازلی داده و بردند دولت ملتفت شد و جلوگیری کرد و در حقیقت خیلی کار خوبی کرد جلوی اینکار را گرفت و قطع کرد امروز صاحبان املاک واقفاً بی علم و بی اطلاعند و اگر مجاز باشند يك شخصی می آید يك چیزی را به پنج هزار یا پنج تومن یا پانصد تومان میدهد و شاید از اینمال پنج هزار تومان فایده می برد این افراف نیست که بنده عرض میکنم و بعلاوه هم دولت بی بهره میماند و هم آثار عتیقه را از ایران برداشته می شود و هم فایده آثار عتیقه را علاوه بر اینکه این مطلقاً تا مدتی ممنوع باشد کدر اینست وزارت فوائد عامه اشخاص بصیر لایق مضاف حق گذاری برای این کار معین بکنند تا آنوقت اینکار را اجازه بدهند و الا خاک ایران از این مسئله ضرر فاحش میبرد .

**آقا شیخ ابراهیم** - بکنندری مطلب مغلولو

میشود گاهی اختلاف در معانیست و گاهی این است که معنی محل اختلاف نیست اختلاف در این است که چه لفظ تغییر شود بنده عرض میکنم چنانچه ذکر شد اراضی از سه شق بیرون نیست یکی اراضی موات است یکی خالصه دولت در اینجا هاه کس بخواهد حفر کند باید از دولت اذن بگیرد بطوریکه دولت معین کرده است آنوقت دولت با او چه قرار میدهند ثلث باربع خمس باهر چه قرار میدهند باید بدهد یکی آنست که کسی در ملک دیگری اجازه میخواهد که حفر بکند ماده دوم شامل او است باید صاحب ملک هم اجازه بدهد یعنی هم دولت اجازه بدهد هم صاحب ملک یکی هم اینست که صاحب ملک خودش حفر میکند در ملک خودش این را هم نمیشود صریح نظر کرد که غیر برود حفر بکنند ببرد اگر اجازه دولت را اینجا نمیخواهیم باید اطلاع دولت باشد که مالیات بگیرد والا نمیتواند مالیات بگیرند بجهت اینکه اطلاع ندارد بفرمائید اگر اطلاع پیدا کرد بگردواگر از میان رفت است اینک غلط است باید اطلاع بدهد بدولت که من اینجا حفر میکنم تا دولت حاضر باشد مالیات خودش را بگیرد پس يك ماده دیگری میخواهید که هر گاه کسی در ملک خودش حفر بکند و استخراج عتیقات بکند باید بدولت برای دادن مالیات اطلاع بدهد پس معنی محل اختلاف نیست الفاظ هم از همه بگرداست يك عرض دیگری هم داشتم آنرا متعلق بوزارت معارف نمیدانم این آبا متعلق است بمعارف با فوائد اگر چه امروز این دو یکست لکن اگر روزی از هم دیگر تفریق شد بعقیده بنده متعلق است بوزارت فوائد عامه نه معارف پس باید وزارت فوائد عامه نوشت .

**معاون وزارت فوائد عامه** - ملاحظات مغتلف در این دو ماده هست و در حقیقت مذاکرانی که شد راجع هر دو ماده بوده است اگر چه موضوع مذاکره ماده اولست ولی بیشتر این صحبت ها در ماده دوم می شود در صورتیکه بنده گمان میکنم که در اینکه بیاید با اجازه دولت باشد حرفی نیست و بعقیده بنده هم باین ترتیبی که در این قانون نوشته شده است

رقع اشکالات را میکنند و آنکه میفرمائید با اطلاع دولت باشد این کلمه از الفاظی است که چنین است و همان اجازه بسیار لفظ خوبی است و اینکه از دولت اجازه بگیرند هیچ دلیل این نمی شود که اگر کسی بخواهد در ملک خود حفری بکند دولت با اجازه ندهد و مانع نشود بلکه این از برای اینست که اگر کسی بخواهد يك همچو کاری را بکند بیاید بدولت بگوید خیلی خوب و اجازه بدهد و اما در باب اینکه این کار راجع بوزارت فوائد عامه است یا اینکه بوزارت معارف اینکار راجع بوزارت معارف است بجهت اینکه در تشکیلات اداری این کار را راجع بوزارت معارف کرده اند و غیر از این هم زمينه دیگری هم هست که يك نحوه اختصاص بوزارت معارف دارد و هیچ ربطی بوزارت فوائد عامه ندارد و در خصوص کلمه اجازه هم همانطور که عرض کردم باز هم تکرار میکنم که خیلی خوب کلمه ایست و اگر نه عقلا و شرعاً نمی توانیم این کار را بکنیم یعنی بیست کس دیگری غیر از مالک این حق را بدهیم و اما این مطلبی را که آقای آقامیرزا ابراهیم خان فرمودند و آقای شیخ ابراهیم خان هم فعلاً بیان کردند که این مطلب هیچ با اطلاع و اجازه مربوط نیست و اگر هیچ اطلاع و اجازه را هم در اینجا ننویسیم هم دولت می تواند این استفاده را بکند بواسطه اینکه اگر اطلاع هم داد کسی بدولت که در ملک خودش می خواهد حفریات بکند و ضمناً در بین انکشاف بعضی اشیاء عتیقه را پنهان کنند و قاچاق بنمایند دولت آیا می تواند این قاچاق و آن اشیاء را بدست بیاورد یا نمی تواند این چیزها را باید در سر کمرک بدست آورد بواسطه اینکه در موقع گذراندن اشیاء آن مالیات را که دولت می خواهد است اگر گرفته بحث کنیم این جا ما صحبتی که میکنیم راجع به املاک شخصی است که مردم خواسته باشند باین مردمان حفر اجازه بدهند که در ملک ایشان حفر بکنند و کشف آثار عتیقه بکنند اگر چه این مسئله امر روز در نظر ما خیلی بی اهمیت می آید ولی بطور نیست مسئله آثار عتیقه امروز در عالم معارف و تاریخ يك اهمیت بسیار بزرگی را دارا شده است مثل اینکه می بینم که ملل حیه عالم مبالغ خیلی گزافی امروزه خرج میکنند و مأمورین علمی پول خیلی پییده میفرستند و در آن ددل دوردست کشف آثار عتیقه میکنند مثل یونان مثل مصر مثل ایران برای چه این پول را خرج میکنند و برای چه این زحمت را می کشند برای استفاده علمیت از آثار و اشیاء که در قرون سابقه زیر خاک مانده است تا اینکه بتوانند از آن راه بر معلومات علمی خودشان چیزی افزوده باشند و خیلی جای تأسف است که يك همچو نکته دقیقی پیش ما مهمل مانده است و قصد وزارت علوم را هم می دانم که فقط نه این است که از این راه يك مالیات جزئی تصور کرده باشند و يك دخلی برای دولت فراهم آورده باشند بلکه مقصودشان آن است که بواسطه طرح این قانون يك دخلتی در امر اکتشافات پیدا کرده باشند که در هیچ بدون اطلاع دولت نتوانند حفریات بکنند اگر در آن ضمن بعضی اشیائی پیدا شد که متعلق يك مطلب تاریخی و يك جمله علمی بشود بدست جهال

**آقامیرزا ابراهیم خان** - اینجا چون می

بینم که اشتباهی حاصل شد است ناچارم برای رفع اشتباه عرض بکنم ولی تقاضا می کنم اگر راجع باین عرض بنده آقایان توضیحی خواسته باشند بیرون از بنده سئوال بفرمائید که عرض بکنم عرض می کنم این پیشنهاد وزارت علوم فقط منحصر است با املاک شخصی و هیچ وجه من الوجوه نمی تواند با املاکی که متعلق بدولت است ربطی پیدا بکنند و نباید در این موقع ذکر میکنم از املاکی که متعلق بدولت است آنرا خوبست يك موضوع جداگانه قرار بدهیم که اگر لازم شد يك وقتی در آن بحث کنیم این جا ما صحبتی که میکنیم راجع به املاک شخصی است که مردم خواسته باشند باین مردمان حفر اجازه بدهند که در ملک ایشان حفر بکنند و کشف آثار عتیقه بکنند اگر چه این مسئله امر روز در نظر ما خیلی بی اهمیت می آید ولی بطور نیست مسئله آثار عتیقه امروز در عالم معارف و تاریخ يك اهمیت بسیار بزرگی را دارا شده است مثل اینکه می بینم که ملل حیه عالم مبالغ خیلی گزافی امروزه خرج میکنند و مأمورین علمی پول خیلی پییده میفرستند و در آن ددل دوردست کشف آثار عتیقه میکنند مثل یونان مثل مصر مثل ایران برای چه این پول را خرج میکنند و برای چه این زحمت را می کشند برای استفاده علمیت از آثار و اشیاء که در قرون سابقه زیر خاک مانده است تا اینکه بتوانند از آن راه بر معلومات علمی خودشان چیزی افزوده باشند و خیلی جای تأسف است که يك همچو نکته دقیقی پیش ما مهمل مانده است و قصد وزارت علوم را هم می دانم که فقط نه این است که از این راه يك مالیات جزئی تصور کرده باشند و يك دخلی برای دولت فراهم آورده باشند بلکه مقصودشان آن است که بواسطه طرح این قانون يك دخلتی در امر اکتشافات پیدا کرده باشند که در هیچ بدون اطلاع دولت نتوانند حفریات بکنند اگر در آن ضمن بعضی اشیائی پیدا شد که متعلق يك مطلب تاریخی و يك جمله علمی بشود بدست جهال

نیافتند و بشن های بخش خیلی نفروشدند و دولت از آن اطلاع پیدا بکنند و تصور میکنم که همیقدر که ما تصویب کردیم بدون اطلاع وزارت علوم کسی نتواند اکتشافات بکند که ثابت میکنند .

**حاج آقا** - مطالبی را که آقای حاج شیخ رئیس و آقای مؤمن الملك فرمودند يك اندازه بنده را از مذاکره راحت ننود ولی خیلی متأسف هستم که در مطالبی که گفتگو میشود منطقی جواب داده نمی شود آقای معارف فرمودند که این لفظ اجازه خیلی خوبی است و خیلی اهمیت دارد همانطور که آقای مؤمن الملك فرمودند این مطلب يك مطلب منطقی است که وقتی گفتم فلانکار باید با اجازه فلان شخص بیاولان هیئت باشد طریماً و منطفاً فقط آن شخص و آن هیئت حق دارد که اجازه بدهد یا ندهد غرض او است اگر بخواهد اجازه می دهد و اگر نمی خواهد نمی دهد و در املاک شخصی ما هیچ وجه نه عقلا و نه شرعاً نمی توانیم این کار را بکنیم یعنی بیست کس دیگری غیر از مالک این حق را بدهیم و اما این مطلبی را که آقای آقامیرزا ابراهیم خان فرمودند و آقای شیخ ابراهیم خان هم فعلاً بیان کردند که این مطلب هیچ با اطلاع و اجازه مربوط نیست و اگر هیچ اطلاع و اجازه را هم در اینجا ننویسیم هم دولت می تواند این استفاده را بکند بواسطه اینکه اگر اطلاع هم داد کسی بدولت که در ملک خودش می خواهد حفریات بکند و ضمناً در بین انکشاف بعضی اشیاء عتیقه را پنهان کنند و قاچاق بنمایند دولت آیا می تواند این قاچاق و آن اشیاء را بدست بیاورد یا نمی تواند این چیزها را باید در سر کمرک بدست آورد بواسطه اینکه در موقع گذراندن اشیاء آن مالیات را که دولت می خواهد است اگر گرفته بحث کنیم این جا ما صحبتی که میکنیم راجع به املاک شخصی است که مردم خواسته باشند باین مردمان حفر اجازه بدهند که در ملک ایشان حفر بکنند و کشف آثار عتیقه بکنند اگر چه این مسئله امر روز در نظر ما خیلی بی اهمیت می آید ولی بطور نیست مسئله آثار عتیقه امروز در عالم معارف و تاریخ يك اهمیت بسیار بزرگی را دارا شده است مثل اینکه می بینم که ملل حیه عالم مبالغ خیلی گزافی امروزه خرج میکنند و مأمورین علمی پول خیلی پییده میفرستند و در آن ددل دوردست کشف آثار عتیقه میکنند مثل یونان مثل مصر مثل ایران برای چه این پول را خرج میکنند و برای چه این زحمت را می کشند برای استفاده علمیت از آثار و اشیاء که در قرون سابقه زیر خاک مانده است تا اینکه بتوانند از آن راه بر معلومات علمی خودشان چیزی افزوده باشند و خیلی جای تأسف است که يك همچو نکته دقیقی پیش ما مهمل مانده است و قصد وزارت علوم را هم می دانم که فقط نه این است که از این راه يك مالیات جزئی تصور کرده باشند و يك دخلی برای دولت فراهم آورده باشند بلکه مقصودشان آن است که بواسطه طرح این قانون يك دخلتی در امر اکتشافات پیدا کرده باشند که در هیچ بدون اطلاع دولت نتوانند حفریات بکنند اگر در آن ضمن بعضی اشیائی پیدا شد که متعلق يك مطلب تاریخی و يك جمله علمی بشود بدست جهال

باین ماده است .

**آقامیرزا ابراهیم خان** - اینجا چون می

بینم که اشتباهی حاصل شد است ناچارم برای رفع اشتباه عرض بکنم ولی تقاضا می کنم اگر راجع باین عرض بنده آقایان توضیحی خواسته باشند بیرون از بنده سئوال بفرمائید که عرض بکنم عرض می کنم این پیشنهاد وزارت علوم فقط منحصر است با املاک شخصی و هیچ وجه من الوجوه نمی تواند با املاکی که متعلق بدولت است ربطی پیدا بکنند و نباید در این موقع ذکر میکنم از املاکی که متعلق بدولت است آنرا خوبست يك موضوع جداگانه قرار بدهیم که اگر لازم شد يك وقتی در آن بحث کنیم این جا ما صحبتی که میکنیم راجع به املاک شخصی است که مردم خواسته باشند باین مردمان حفر اجازه بدهند که در ملک ایشان حفر بکنند و کشف آثار عتیقه بکنند اگر چه این مسئله امر روز در نظر ما خیلی بی اهمیت می آید ولی بطور نیست مسئله آثار عتیقه امروز در عالم معارف و تاریخ يك اهمیت بسیار بزرگی را دارا شده است مثل اینکه می بینم که ملل حیه عالم مبالغ خیلی گزافی امروزه خرج میکنند و مأمورین علمی پول خیلی پییده میفرستند و در آن ددل دوردست کشف آثار عتیقه میکنند مثل یونان مثل مصر مثل ایران برای چه این پول را خرج میکنند و برای چه این زحمت را می کشند برای استفاده علمیت از آثار و اشیاء که در قرون سابقه زیر خاک مانده است تا اینکه بتوانند از آن راه بر معلومات علمی خودشان چیزی افزوده باشند و خیلی جای تأسف است که يك همچو نکته دقیقی پیش ما مهمل مانده است و قصد وزارت علوم را هم می دانم که فقط نه این است که از این راه يك مالیات جزئی تصور کرده باشند و يك دخلی برای دولت فراهم آورده باشند بلکه مقصودشان آن است که بواسطه طرح این قانون يك دخلتی در امر اکتشافات پیدا کرده باشند که در هیچ بدون اطلاع دولت نتوانند حفریات بکنند اگر در آن ضمن بعضی اشیائی پیدا شد که متعلق يك مطلب تاریخی و يك جمله علمی بشود بدست جهال

باین ماده است .

**آقامیرزا ابراهیم خان** - اینجا چون می

بینم که اشتباهی حاصل شد است ناچارم برای رفع اشتباه عرض بکنم ولی تقاضا می کنم اگر راجع باین عرض بنده آقایان توضیحی خواسته باشند بیرون از بنده سئوال بفرمائید که عرض بکنم عرض می کنم این پیشنهاد وزارت علوم فقط منحصر است با املاک شخصی و هیچ وجه من الوجوه نمی تواند با املاکی که متعلق بدولت است ربطی پیدا بکنند و نباید در این موقع ذکر میکنم از املاکی که متعلق بدولت است آنرا خوبست يك موضوع جداگانه قرار بدهیم که اگر لازم شد يك وقتی در آن بحث کنیم این جا ما صحبتی که میکنیم راجع به املاک شخصی است که مردم خواسته باشند باین مردمان حفر اجازه بدهند که در ملک ایشان حفر بکنند و کشف آثار عتیقه بکنند اگر چه این مسئله امر روز در نظر ما خیلی بی اهمیت می آید ولی بطور نیست مسئله آثار عتیقه امروز در عالم معارف و تاریخ يك اهمیت بسیار بزرگی را دارا شده است مثل اینکه می بینم که ملل حیه عالم مبالغ خیلی گزافی امروزه خرج میکنند و مأمورین علمی پول خیلی پییده میفرستند و در آن ددل دوردست کشف آثار عتیقه میکنند مثل یونان مثل مصر مثل ایران برای چه این پول را خرج میکنند و برای چه این زحمت را می کشند برای استفاده علمیت از آثار و اشیاء که در قرون سابقه زیر خاک مانده است تا اینکه بتوانند از آن راه بر معلومات علمی خودشان چیزی افزوده باشند و خیلی جای تأسف است که يك همچو نکته دقیقی پیش ما مهمل مانده است و قصد وزارت علوم را هم می دانم که فقط نه این است که از این راه يك مالیات جزئی تصور کرده باشند و يك دخلی برای دولت فراهم آورده باشند بلکه مقصودشان آن است که بواسطه طرح این قانون يك دخلتی در امر اکتشافات پیدا کرده باشند که در هیچ بدون اطلاع دولت نتوانند حفریات بکنند اگر در آن ضمن بعضی اشیائی پیدا شد که متعلق يك مطلب تاریخی و يك جمله علمی بشود بدست جهال

میکنم متمم ماده اول این طور نوشته شود - که در املاک شخصی که فقط باین است زمان اقدام بحفریات بوزارت فوائد عامه اطلاع بدهند .

[ ۴ ] - از طرف آقای معز الملک .

ماده اول - در اواخر که متعلق بدولت است حفر اراضی برای کشف عتیقات منوط با اجازه وزارت فوائد عامه است ولی اراضی که متعلق بدولت نیست از این قاعده مستثنا بوده محتاج با اجازه دولت نیست اما از کلیه عتیقات اعم از اینکه اراضی دولتی یا غیر دولتی باشد مالیاتی را که در موارد ذیل مذکور خواهد شد اخذ می کند .

[ ۵ ] از طرف آقای حاج شیخ علی خراسانی بنده پیشنهاد می کنم که در ماده اول فقط باین باشد اراضی گذاشته شود و برای اشخاصیکه در ملک خود حفریات بجا آرند ماده دیگر نوشته شود .

ماده « ۳ » هر کس در ملک خود حفر عتیقات نماید باید بدولت اطلاع بدهد

**منتصر السلطان** - در این پیشنهادها چون

می بینم که آقایان مصمم هستند که رای بدهند بنده بعضی از آنها را بکلی مخالف این قانون می دانم از این جهت لازم می دانم که چند کلمه عرض کنم - یکی از این پیشنهادها این است که هیچ اجازه از دولت لازم نیست و صاحب اراضی حق دارد که بدون اطلاع و اجازه از دولت حفریات بکنند و این را در نظر دارند که آن شخصی که حفر کرد و چیزی را پیدا کرد مختار است که بفرودد و اگر بطور قاچاق خواست بکنند در سرحد کمرک از او بگیرند در صورتی که این را در آن جلسه سابق اگر نظر نمایند کان باشد عرض کردم که اگر فلان تاجر يك چیزی را خرید و خواست ببرد در گمرکات ترتیبات آن معین شده است و حقوقی را که باید بگیرند می گیرند آن ترتیبش معین است مادر اینجا نمی خواستیم حقوق گمرکی آنها را معین کنیم که هر چه باید بگیرند ما می خواهیم این اشیاء را که بیرون می آورند و شاید چندین هزار تومان قیمت آن بواسطه بضی نقشه هائی که در روی آست و خیلی برای ما اهمیت دارد برای آنها یک ترتیبی بدهیم که از دست دولت نرود برای این که این ها چیزهائی است که باید دولت آنها را داشته باشد و از اساسه دولت است ما اینکار را می خواهیم بکنیم نه این که حقوق گمرک برای آنها بخواهیم معین کنیم مگر عرض کردم باز گوش به عرایض بنده نمی دهند و این اظهارات را می کنند خوبست آقایان بنده پیشنهاد میکنم که ماده بعقیده چنین نوشته شود هر گاه کسی در ملک شخصی خود حفر عتیقات بکند باید با اطلاع دولت باشد تا مالیاتی که از آن باید گرفته شود اخذ شود .

( ۱ ) از طرف آقای حاج سید ابراهیم - این بنده پیشنهاد میکنم که ماده بعقیده چنین نوشته شود هر گاه کسی در ملک شخصی خود حفر عتیقات بکند باید با اطلاع دولت باشد تا مالیاتی که از آن باید گرفته شود اخذ شود .

[ ۲ ] از طرف آقای مؤمن الملك - حفر در اراضی مملکت در طلب اشیاء عتیقه اگر در ملکیت دولتست باید با اجازه دولت باشد و اگر در ملک شخصیست باید با اطلاع وزارت فوائد عامه باشد بشرط رعایت ماده دوم .

( ۳ ) از طرف وکیل التجار - بنده پیشنهاد

میکنم متمم ماده اول این طور نوشته شود - که در املاک شخصی که فقط باین است زمان اقدام بحفریات بوزارت فوائد عامه اطلاع بدهند .

[ ۴ ] - از طرف آقای معز الملک .

ماده اول - در اواخر که متعلق بدولت است حفر اراضی برای کشف عتیقات منوط با اجازه وزارت فوائد عامه است ولی اراضی که متعلق بدولت نیست از این قاعده مستثنا بوده محتاج با اجازه دولت نیست اما از کلیه عتیقات اعم از اینکه اراضی دولتی یا غیر دولتی باشد مالیاتی را که در موارد ذیل مذکور خواهد شد اخذ می کند .

[ ۵ ] از طرف آقای حاج شیخ علی خراسانی بنده پیشنهاد می کنم که در ماده اول فقط باین باشد اراضی گذاشته شود و برای اشخاصیکه در ملک خود حفریات بجا آرند ماده دیگر نوشته شود .

ماده « ۳ » هر کس در ملک خود حفر عتیقات نماید باید بدولت اطلاع بدهد

**منتصر السلطان** - در این پیشنهادها چون

می بینم که آقایان مصمم هستند که رای بدهند بنده بعضی از آنها را بکلی مخالف این قانون می دانم از این جهت لازم می دانم که چند کلمه عرض کنم - یکی از این پیشنهادها این است که هیچ اجازه از دولت لازم نیست و صاحب اراضی حق دارد که بدون اطلاع و اجازه از دولت حفریات بکنند و این را در نظر دارند که آن شخصی که حفر کرد و چیزی را پیدا کرد مختار است که بفرودد و اگر بطور قاچاق خواست بکنند در سرحد کمرک از او بگیرند در صورتی که این را در آن جلسه سابق اگر نظر نمایند کان باشد عرض کردم که اگر فلان تاجر يك چیزی را خرید و خواست ببرد در گمرکات ترتیبات آن معین شده است و حقوقی را که باید بگیرند می گیرند آن ترتیبش معین است مادر اینجا نمی خواستیم حقوق گمرکی آنها را معین کنیم که هر چه باید بگیرند ما می خواهیم این اشیاء را که بیرون می آورند و شاید چندین هزار تومان قیمت آن بواسطه بضی نقشه هائی که در روی آست و خیلی برای ما اهمیت دارد برای آنها یک ترتیبی بدهیم که از دست دولت نرود برای این که این ها چیزهائی است که باید دولت آنها را داشته باشد و از اساسه دولت است ما اینکار را می خواهیم بکنیم نه این که حقوق گمرک برای آنها بخواهیم معین کنیم مگر عرض کردم باز گوش به عرایض بنده نمی دهند و این اظهارات را می کنند خوبست آقایان بنده پیشنهاد میکنم که ماده بعقیده چنین نوشته شود هر گاه کسی در ملک شخصی خود حفر عتیقات بکند باید با اطلاع دولت باشد تا مالیاتی که از آن باید گرفته شود اخذ شود .

مسلطون علی اموالهم وانفسهم است این جهت اگر در آخر ماده نوشته شود که دولت مالکین اجازه نخواهد داد آنوقت آن توضیحاتی که می کنند رفع نخواهد شد و اگر بخواهیم بگوئیم که اجازه دولت لازم ندارد بنده گمان میکنم که تا سال دیگر خیلی اسباب رحمت بزرگی خواهد شد پس خوب است که این ماده ممتنع نوشته شود در آخر این عبارت زیاد شود که معلوم باشد که دولت باید به مالکین املاک اجازه بدهد یعنی حق ندارد اجازه ندهد .

معزز الملک - چون فرمایشات آقای مخبر

تا یک اسد ره راجع بود پیشهاد بنده از این جهت لازم می دانم یک مقرر توضیح بدهم در پیشهاد خودم و اشتباهی را که کرده ام رفع نمایم این جا یک مطلبی است اساسی که مجرد می شود دان این است که نه سوال می شود نه صاحبان املاک شخصی تسلط بر املاک خود دارند و می تواند هر قسم تصرفاتی در املاک خودشان بکنند البته جواب یکسوی خواهد بود که البته حق دارند می توانند حال از این ماعنه کلی یک حق خارج می شود و آن اینست که بنده مالک یک مملکتی در اراضی هستم و چون دارم می دانم تصرفاتی در ملک خود می بینم و این نه می خواهم صرف در املاک دیگر بکنم باید اجازه از مالک این ملک بکنم بدین معنی که اگر این ملک است یعنی اراضی این مملکت مستحق دولت باشد بعضی متمنع بدین باشد چنانچه هست البته وقتی که من میخواهم صرف در اراضی متمنع بدین دولت نمایم باید از دولت نماینده دولت که وزارت فواید عامه است اجازه بگیرم اما اگر در اراضی شخصی بخواهم تصرفاتی بکنم از کی باید اجازه بگیرم از مالک باید اجازه بگیرم و اگر خود مالک هستم از کسی نباید اجازه بگیرم فقط از حق مالکیت خودم اجازه بگیرم پس این یک مسئله اساسیست در اینجا که تمام تصدیق دارند که مالک حق تصرف در ملک خودش دارد و این خود جوابی می دهد که نتیجه اش این خواهد بود که هر کسی هم که بخواهد در آن ملک تصرفاتی بکند باید از صاحب ملک اجازه بگیرد ام از این که برای کشف عتیقات باشد یا برای زراعت یا برای چیز دیگر حالا اینجا قطع نظر از این که بنده ماده اساس مالکیت مالکین را متزلزل میکنم یک مسئله دیگری هم هست و آن این است که باید یک اندازه داخل عمل بشوم برای اینکه اگر کسی بخواهد در ملک خودش تصرفاتی بکند من تصور نمی کنم که تصرفات برای کشف آثار عتیقات یک علامات خارجی داشته باشد که از سایر تصرفات شناخته شود یا هیچ علامتی نمیتوان برای اقرار داد برای اینست که من میل دارم در ملک خودم یک جای آبی حفر نمایم یا در ملک می خواهم یک چاهی بکنم این علامت خارجی که ندارد که شما تخصیص بدهید آنوقت من هر کاری بکنم بخواهم در ملک خودم بکنم مثلا اگر بخواهم یک چاهی را حفر کنم فلان مامور می آید و میگردد شما چرا میخواستید بدون اطلاع یک حفریاتی بکنید و باید اجازه از وزارت فواید

عامه بگیرید در صورتی که برای انکشاف یک عتیقاتی بوده است و همین طور اسباب این میشود که آزادی مرادب کند و اسباب تولید اشکال برای بنده می شود از این گذشته فرضاً همانطور که گفتند برای انبار آب اگر من یک حفری کردم و ضمناً یک اشیائی را در آنجا پیدا کردم در آنجا چه باید کرد پس این را روی کاغذ آوردن و نوشتن شاید آسان باشد ولی در مقام عمل دچار اشکالات خواهیم شد که رفع آن خیلی مشکل است پس چه باید کرد باید گفت که در اراضی دولت اگر کسی بخواهد حفریاتی بکند البته اجازه دولت و وزارت فواید عامه که نماینده او است لازم است ولی در املاک شخصی جز اجازه از صاحبان املاک اجازه کسی دیگر لازم نیست و این عدم لزوم اجازه از دولت حق دولت را به هیچ وجه سلب نمی کند از آن چیزی که پیدا شده است بجهت این که مطلب دوتا است یک دفعه نکنند است برای پیدا کردن چیزی یک دفعه این است که در بین حفر کردن چیزی پیدا شد وقتی که یک چیزی پیدا شد اعم از اینکه با اجازه دولت باشد یا بی اجازه دولت باشد عمداً باشد یا سهواً باشد هر قسم که باشد میتوانم بگیرم یک حقی برای دولت تعلق میگیرد بان چیزی که پیدا شده است و دولت می تواند بگوید برای کلیه اشیائی که پیدا می شود و موافق یک قانونی معین میشود یک مالیاتی بگیریم - بعضی از آقایان اینجا گفتند که بجای اجازه باید نوشت که با اطلاع دولت باشد و آقای مخبر اظهار داشتند که اگر اجازه یا اطلاع هیچ کدام در اینجا قید نشود و بدولت این حق را بدهیم آنوقت ما چطور میتوانیم معین بکنیم که یک چیزی را فلانکس در ملک خودش پیدا کرده است یا پیدا نکرده است همین اظهارات ایشان بر من مخور دینیک ماده که در این لایحه است که نوشته اند : هر گاه کسی بی اجازه اداره عتیقات حفر اراضی نماید یا چیزی از عتیقات و مستخرجات را پنهان نمود حقوق دولتی را نیرداخته باشد پس از کشف عیناً ضبط میشود پس همان قوه که دولت اگر من اظهار نکردم یا مخفی کردم آنرا ضبط می کنند برای این که آنرا پنهان کرده ام و مالیاتش را نداده ام یا بجهت تصور می کنم که این هیچ منافاتی ندارد با اینکه دولت اینحق را داشته باشد که از اشیاء عتیقه یک حقی بگیرد حالا اگر از صد فقره یک فقره قاچاق بکنند ربطی باین مطلب ندارد برای اینکه شما هیچ قانونی را نمی توانید بنویسید که یک مستثنیاتی نداشته باشد و یک خلاف قانونی در آن خصوص بعمل نیاید مثل این که ترتیبات کمرکی شما که باین منظمی است با وجودیکه در هر نقطه بقدر لزوم مامورین و مستحقین هست باز آنطوریکه لازم است نمی تواند جاو گیری از قاچاق بنمایند پس قاچاق در واقع یک مستثنیاتی است از قاعده کلی و این بهیچوجه منافاتی ندارد با آن پیشنهادیکه بنده کرده ام که در اراضی دولت با اجازه دولت در اراضی شخصی با اجازه صاحبان املاک باید حفریات شود و چه حق مالکیت مالکین را متزلزل نمی کند و آن حقی را هم که برای دولت با اشیاء عتیقه تعلق می گیرد ازین نخواهد رفت و اطلاع و اجازه هم یک

محترم مجلس از وضع گرانی و بدی گوشت و از طرف رئیس محترم مجلس ارجاع شد بکمیسسیون داخله کمیسسیون داخله نوشت برای اصناف و تجار که اگر شما اشخاصی را سراغ دارید که با تأمینات لازم و تضمینات و شکلی که مقرر بصرفه باشد برای ملت بتوانند امر گوشت را اداره بکنند آنها را ببلدیه معرفی کنند و بلدیه صورت قرارداد را بوزارت داخله بفرستند تا اینکه از طرف وزارت داخله آنصورت قرارداد بیاید ب مجلس و از مجلس بگذرد در بین اینکه این جواب را دادیم آن کمیانی سابق که در زمان هیئت مدیره و کمیسسیون عالی متمنع شده بود ملتفت شدند و فهمیدند که یک جمعی حاضر شدند برای اداره کردن گوشت آمدند بهیئت رئیسه و هیئت ریسه آنها را فرستادند بکمیسسیون داخله و در آنجا اظهار کردند که یا این نمایان ما را مجلس تصویب بکنند یا اینکه از فردا استعفا میدهیم و دستور بخواهیم کرد کمیسسیون داخله وقتیکه رجوع کرد با متیار نامه یک ماده در آن دید که نوشته بود این امتیاز را هیئت مدیره با کمیسسیون عالی میبندد ولی پس از افتتاح مجلس شورای ملی باید بود بمجلس و از مجلس بگذرد وقتیکه کمیسسیون داخله را بنده کردیم و دیدیم که آقای قوام السلطنه که آنوقت معاون وزارت داخله بوده اند آن صورت امتیازنامه را آورده اند بکمیسسیون داخله آنرا قبول نکرده اند و بعد خود ایشان هم آنرا استرداد کرده اند بعد رفته اند یک صورت دیگری با کمیانی بسته اند که کمیانی او را قبول نکرده است و این امر گوشت همینطور تعلق و بدون تصویب مجلس شورای ملی مانده است و در این مدت یک سال و چندین سال این کمیانی مردم این شهر را بدون تصدیق و تصویب مجلس شورای ملی چسبیده اند آنوقت آمده اند وزارت داخله یک جمعی را حاضر کردند با اطلاع حکومت طهران و انجمن بلدی و قرار داد بکمیسسیون داخله دادند یعنی آنها متعهد شدند که ما میرویم و گوشت را که اینها در هشت عباسی میفرشند ما در شش عباسی میفرشیم مشروط بر اینکه تمام شیشک باشد و پنج هزار تومان هم پول نقد میگذاریم در یکسی از تجارخانه ها و از برای بز و میش هم دکان جدا گانه معین میکنیم و اگر تغلف کردیم ملنزم و متعهد میشویم که انجمن بلدی آن پنج هزار تومان را بگیرد و رفتند از روز چهارم عاشورا مشغول کشتار شدند تا روز سیزدهم و بهمان قسمی که متعهد شده بودند گوشت را بهتر و صد دینار ارزانتر بر مردم فروختند بعد نمیدانم چه شکل شد که معاون وزارت داخله از روز چهاردهم که اینها در قصابخانه مشغول کشتار بوده اند یکی از اعضاء کمیانی سابق را که هیچ قانونیت نداشته است با جمعی میفرستد و آنها را مانع میشوند و از قصابخانه خارج میکنند و چند نفر از آنها میگردد و از آن روز بازار گوشت را بهمان کمیانی غیر قانونی اداره میکند باین شکلی که بنظر آقایان رسیده است که چندین روز است که بقیمت سی شاهی هم پیدا نمی شود در حالیکه این چند روزه اینها حاضر شدند هم گوشت صحیح بدهند هم اگر آنها در هفت عباسی میدهند اینها در شش عباسی بدهند و

باز این مطلب رجوع گردید بکمیسسیون داخله و کمیسسیون داخله آقای اقتدار الدوله را اگر چه معرفی نشده اند بمجلس و معاونت ایشان رسمیت ندارد ولی کمیسسیون داخله ایشان را آوردند در کمیسسیون و داخله مذاکره شدند و گفته شد که کمیسسیون هیچوقت نظارش با شخاص نیست وزارت داخله مشغول صحت امر گوشت است چه سابق و لاحق چه با مردمانی که طرف اطمینان باشند یا طورهای دیگر هر چه هست پروند در باب صحت امر گوشت و قیمت آن فراری بگذارند و بیاورند بمجلس که مجلس شورای ملی هم نظرات و ملاحظاتی خود را بکنند و تصویب بکنند تا اینکه مردم آسوده بشوند ایشان با قول دادند که بنویسند بلدیه بلدیه که نمایان که داوطلبند برای اداره گوشت بخواهند و با آنها مذاکره بکنند و هر فراری که مقرر بصرفه باشد بدهند و بیاورند بمجلس و بدیخانه تا امروز این اشخاص داوطلب که رفته اند بلدیه بلدیه گفته است به هیچ ربطی ندارد و بهیچوجه از طرف وزارت داخله بما اظهاری نشده است گفته اند همین را بنویسند که ما آمده ایم و خواسته اند گفته اند از وزارت داخله بما گفته نشده است بدین معنی - عرض میکنم که یک جمعی که امروز حاضرند که گوشت را با کمال صحت یعنی گوشت شیشک صحیح در چار کی شش عباسی حاضرند که مردم این شهر بدهند بنده نمی دانم جهت چیست که یک جمعی که بهیچوجه بود امتیازنامه سابق خود رفتار نکرده اند و روزی یکصد و شصت تومان از این ملت بدیشت علاوه بر صورت امتیازنامه شان پول گرفته اند برای اینکه در صورتی که چار کی صد دینار علاوه بفرشند تقاضای یکصد و شصت تومان میشود و در عوض گوشت بز و گوشت های ناخوش که تولید خیلی از امراض میکنند علت چیست که اینها بطور بهتری حاضرند اداره بکنند حاضر نمی شوند که باینجا بدهند و امروز کمیسسیون داخله هر قدر تلفون کرده است آقای اقتدار الدوله که تشریف بیاورید در امر گوشت باشما مذاکره بکنیم و بهیچ وجه که مردم این مملکت هیچه ای جواب داده اند که امر گوشت بهیچوجه امتیاز و قرارش مربوط بمجلس نیست و منتهم در اینجا کار زیاد دارم و نمی توانم امروز بمجلس بیایم این مذاکرات امروز در اینجا برای این بود که مردم این مملکت هیچه گمان میکنند که امرنان اگر یک اختلالی پیدا نکنید بواسطه عدم مساعدت مجلس و نمایانگان محترم است اگر امر گوشت اختلالی پیدا بکنند باز گمان میکنند که بواسطه عدم مساعدت مجلس است و هكذا سایر امور اینست که بنده آمده ام اینجا که اقدامات مجلس شورای ملی و کمیسسیون داخله را در اینصورت عرض کنم و عرض میکنم که تمام این شهر بدانند که مجلس شورای کمیانی سابق را قانونی نمیداند برای اینکه امتیازنامه او تصویب مجلس نرسیده است و در تمام این مدت هر قدر گوشت بر مردم داده است و هر قدر پول گرفته است تمدی کرده است بدون اطلاع مجلس شورای ملی و گوشت به باین بندگان خدا داده است و تا وقتی که وزارت داخله یک قرار جدیدی بیاک اشخاص معینی ندهد و آن قرار از نظر مجلس نگذرد و مجلس تصویب نکند امر گوشت آزاد است و هر کس خودش می تواند بکشد و بفروشد (اغلب گفتند صحیح است.)

لواجح تشکر نجف اشرف بقیه شور اول در قانون عتیقات - بقیه شور در کنترات مسیو مولیر - راپورت کمیسسیون بودجه راجع بمستمری مقولین از مجاهدین .

محمد هاشم میرزا - بملاحظه اینکه کلیه اذهان عامه آنطوری که باید فرقی ندهند آراء تمام اعضاء مجلس را از اکثریت و اکثریت را از اقلیت فرقی نمی دهند و فرمایش و نظای هر یک از نمایندگان را نسبت بتمام می دهند و باین جهت اغلب اسباب ایراد از برای تمام نمایندگان میشود لهذا بنده که یکی از اشخاص دستم عرض میکنم دیگران که اینورقه را امضاء کرده اند میخواهند یعنی ترار گذاشته اند که هر یک از نمایندگان که یک اظهاری کردند و سایرین برخلاف اظهارات آن نماینده بودند و از بیانات آن ناطق تنفر داشتند تنفر خودشان را در کمال وضوح بیان بکنند تا هر کس بداند که هر اظهاری که می شود عقیده چند نفر است و از این جهت این بیان نامه که فی الواقع توضیح نامه ایست در بیان تهدیب و تقدیس رئیس مجلس از شایسته بعضی توضیحاتی که امروز نسبت بایشان اظهار شد در ضمن چهار سطر نوشته شده است و اجازه میخواهم که بخوانم

رئیس - التفات بفرمائید این مسئله در اول مجلس مذاکره شد و در این خصوص رأی گرفتیم و فعلا چون راجع بشخص بنده است راضی نیستم دیگر در این خصوص اظهاری بشود

محمد هاشم میرزا - بنده عقیده خودم را میخواهم عرض کنم و اینهم راجع بحضرتعالی نیست راجع بنمایند که نیست که این ورقه را امضاء کرده اند اگر تصویب نمیفرمائید نمیخوانم .

(اغلب گفتند باید بخوانید - و بعبارت ذیل قرائت نمود.)

مانا بنده گمان امضاء کنندگان ذیل اظهارات اسدالله خان کردستانی را که شالوده آن صمیمیت و ضدیت های شخصیت رد و تکذیب کرده مقام راست مجلس را منزه از اظهارات ایشان میدانم و معتقدم تنفر خودمان را از این اظهارات در مجلس بیان میکنم .

محمد هاشم میرزا - آقایانی که امضاء کرده اند آقای صدر العلماء - آقای معزز الملک - آقای معین الرعایا - آقای حاج و کبیل الرعایا - آقای منتصر السلطان - آقای تربیت - محمد هاشم میرزا - آقای حاج میرزا صادق - آقای شیخ فلاحت حسین - آقای شیخ محمد خیابانی - آقای سید حسین کزازی - آقای شیخ اسمعیل - آقای میرزا احمد - آقای نجم آبادی - آقای سید جلیل - آقای حاج شیخعلی - آقای سید محمد رضا - ارباب کیخسرو - آقایان آقا شیخ رضا - ابوالقاسم میرزا - آقای شیخعلی معتدالتجار - سلیمان میرزا - میرزا داودخان - ضیاء الممالک - نیر السلطان - بهجت - قهیم الملک - سردار اسعد - میرزا یاس - و آقای و کبیل التجار هم قسمتی از این را امضاء کرده اند .

آقای آقا شیخ ابراهیم - آقای ادیب - التجار - اینورقه بنظر تمام آقایان و بنظر همه ایشان نرسیده است و شاید اگر بنظر تمام آنها میرسد همه امضاء میکردند این اسامی آنها نیست که بعض آنها رسیده است (پس از آن آقایان ذیل نیز ورقه مزبور را امضاء نمودند .)

آقای شیخ الرئیس - آقا سید حسین اردبیلی -

آقامیرزا ابراهیم خان - آقا میرزا محمد نجبات - رکن الممالک - حسنلیخان .

**کاشف** - در این موضوع يك كلمه عرض لازم میدانم بکنم و آن این است که بطوری که در ابتدای جلسه بقیام و قعود رای گرفته شد بنده آنرا دیگر زیاد می بینم ما نمایندگان بوظیفه نظارت خودمان رفتار نمیکنیم برای اینکه نظارت ما هاضم سئوالات و استیضاحات باید بعمل بیاید در سئوالات بعضی از آقایان وزراء میشوند و يك چیزی جواب میدهند که شاید نتیجه که باید از آن گرفته شود نمیشود ولی در استیضاحات بنده تا بحال خیلی از استیضاحات را دیده ام که در اینجا خواننده اند و هیچکدام از آقایان وزراء تا بحال برای جواب حاضر نشده اند و این وظیفه بنده یافرد فرد نمایندگان نیست بلکه این وظیفه هیئت رئیسه است و بموجب قانون بخوانند و روز استیضاح را معین بکنند و هر وزیر یک از آمدن در روز معین و جواب استیضاح دادن ابا و امتناع نمود البته باید بنظر مجلس برسد و مجلس تکلیفش درباره آن وزیر معلوم بشود و البته وقتی که بنده نتوانم در استیضاحی که داده ام مذاکره کنم و مدتها از آن بگذرد آن استیضاح چه فایده دارد و نتیجه نخواهیم گرفت و بواسطه این مسامحه که در جواب استیضاحات شده است خیلی خرابی هست که جلوگیری از آن نشده است برای اینکه منتهی فشار مأمورین اینست که استیضاح بکنم و وقتیکه آنها برای جواب حاضر نشوند البته ما هم نمی توانیم بوظیفه خودمان عمل بکنیم و این مذاکرات هم که ما میکنیم و از هم دیگر مدافعه میکنیم هیچ فایده نخواهد داشت .

**رئیس** - در این مسئله که فرمودید هیئت وزراء نمیتوانند جواب استیضاحات را بدهند و این مسامحه از طرف هیئت رئیسه نشده است گمان نمیکنم که از طرف هیئت رئیسه قصوری شده باشد بجهت این که استیضاح يك چیزی است که باید جزء دستور مجلس گذاشته شود مثل سئوالات نیست که نمایندگان در اول و آخر جلسات بتوانند اظهار بکنند دستور مجلس هم به اختیار خود نمایندگان ملت است هر روزی که صلاح میدانند تقاضا بکنند استیضاحشان جزء دستور گذاشته شود و در صورتیکه وزیر بیاید رای خودشان را در آن خصوص اظهار نمایند پس در اینجا هم ایرادی به هیئت رئیسه نیست .

(رئیس حرکت کرد و مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد) .

**جلسه ۲۰۳**  
**صورت مذاکرات روز شنبه ۲۶ محرم - الحرام ۱۳۲۹**  
 مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب آفتاب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد .  
 صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۴ محرم ۱۳۲۹ را آقای معاضد قرائت نمود .  
 (غائبین جلسه قبل)  
 مستشارالدوله - ممتازالدوله - وحید الملک - آقامیرزا علی اکبرخان .  
 بدون اجازه : آقا شیخ رضا - حاج وکیل الرعایا ابوالقاسم میرزا - حاج آقا - سردار احمد - آقامیرزا ابراهیم قمی بموقع حاضر نشده اند .

مشیرالدوله مریض بودند .

**نایب رئیس** - در صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست ؟ خواهید فرمود . آقای آقا شیخعلی راجع بصورت مجلس ملاحظاتی داشتید ؟

**آقای آقا شیخ علی** - اگر چه رای گرفته شده است که اگر مطالب متفرقه ای هست در آخر جلسه گفته شود ولی بنده يك عرض مختصری دارم که لازم می دانم عرض کنم .

**نایب رئیس** - در آخر مجلس بفرمائید .

**دکتر علی خان** - در صورت مجلس باید يك چیزی قید بشود و قید نشده است و آن بی قانونی بود که از طرف نایب رئیس ها شده است برای این که وقتی که بواسطه يك مطلب شخصی رئیس از مجلس خارج می شود قانوناً یکی از نایب رئیس ها باید بجای او بنشینند و مجلس مشغول کار بشود لازم نیست که اگر يك وقتی رئیس بواسطه يك کار شخصی از مجلس بیرون رفت نایب رئیسها هم بیرون بروند و مجلس معطل و معوق بماند بنده عقیده ام این است که رفتن نایب رئیسها از مجلس ناصحیح بوده است و باید در صورت مجلس قید بشود که بی جهت بیرون رفته اند .

**نایب رئیس** - اگر اشاره نمایندة محترم بجلسه سابق است نمیتوان مجبور کرد نمایندگان را که در يك موقعی در مجلس بمانند و البته اگر نمایندگان می ماندند نایبان رئیس هم می نشستند .

**حاج شیخ الرئیس** - در صورت مجلس نوشته شده است که اغلب نمایندگان بیطرفی رئیس رای دادند این عبارت ناموزون است همین قدر بنویسند که بقیام و قعود اظهار اعتماد و حسن عقیده خودشان را نسبت بشخص رئیس اظهار کردند .

**آقا میرزا اسدالله خان** - بنده با کمال اختصار يك عرض کوچکی داشتم و آن راجع بشرحی است که شاهزاده محمد هاشم میرزا در غیبت بنده خوانده بودند بنده دعوت می کنم تمام نمایندگان را بحفظ قوانین و متابعت آنها برای اینکه در صورتی که بنده خودم در مقام حفظ و متابعت قانون نیاشم نمیتوانم از دیگران توقع داشته باشم که خودشان را تابع قوانین بدانند فقط از مجلس شورایی ملی می خواهم بپرسم که آیا در نظامنامه داخلی ما يك همچو ماده هست که برای جلوگیری از يك و کیلی يك چنین لایحه ای را بیاورند بخوانند و پیشنهاد بکنند بنده گمان می کنم يك همچو ماده در نظامنامه داخلی ما نباشد علاوه بر این یکی از اولین اصول مشروطیت و حکومت ملی آزادی نطق است که يك و کیلی نطق خودش را بنماید و عقیده ای را که دارد اظهار بکند و اگر يك وکیل دیگری خوشش نیامد از بیانات اولی بایستی بیرون بروند بمحل نطق و با ادله و براهین اظهارات او را رد بکنند بنابراین در آن موقع اگر بعضی از آقایان عریض بنده را تصدیق نکردند می بایستی دلایل اظهاری را که کردم از بنده بخوانند

چنانچه دلایلی داشتم اظهار می کردم و متقاعد می شدند و اگر دلایلی نداختم خود بنده متقاعد می شدم و این مرتبه دوم است که در مجلس شورای ملی خلاف قانون واقع شده است یکی در آن موقع که یکساعت وقت مجلس را صرف کردیم برای رای در خصوص روزنامه ملا نصرالدین و یکی هم در این خصوص بوده است و از این گذشته این مطلب اسباب این خواهد شد که حیثیات مجلس را از بین برد زیرا که این طبیعی است که يك و کیلی که صحبت يك جماعتی بر صدا و هستند و همین طوری که فتح باب شده نسبت باظهارات آن يك نفر وکیل اظهار تنفر خواهند کرد و این رفته رفته عظم مجلس شورای ملی و نمایندگان را از بین خواهد برد .

**معاضد الملک** - در صورت مجلس راجع به پیشنهاد آقای آقامیرزا ابراهیم خان نوشته شده است که مجلس رای داد که در ابتدای مجلس کسی حق مذاکره مطالب متفرقه ندارد در آخر جلسه این مذاکرات بشود و چون این پیشنهاد را بنده مخالف جمیع قوانین میدانم این است که عرض میکنم پیشنهادی که میشود اولاً میبایستی از طرف يك و کیلی بطور طرح قانونی باشد و بعد پانزده نفر از نمایندگان آن طرح را امضاء نمایند و در مجلس خوانده شود و بعد از آنی که در مجلس قابل توجه شد بکمیسیون مبتکرات برود و از آنجا بر گردد و در مجلس شور اول و دوم در آن بشود وقتی که مجلس رای داد صورت قانونیت پیدا میکند و به آن عمل خواهد شد و بنده از این جهت لازم می دانم و اخطار می کنم که در خصوص این پیشنهاد این طوری که رفتار شده است ابتدا صورت صحیحی نخواهد داشت بلکه مخالف اصول مشروطیت است .

**نایب رئیس** - لازم میدانم عرض کنم که صورت مجلس صورت آن مطالبی است که در آن جلسه واقع شده است حالا آنچه چیزی که واقع شده است غلط بوده است راجع بصورت مجلس نیست و می توان گفت که این اظهارات آقایان از ملاحظات در صورت مجلس خارج است از این جهت تمنا میکنم که نظریات خودشانرا فقط معطوف بکنند بملاحظات و اعتراضاتی که در صورت مجلس دارند .

**افتخار الواعظین** - اینکه فرمودند صورت مجلس صورت ماوقع است بنده این را تصدیق میکنم ولی اگر بنا بشود که صورت ماوقع خوانده شود و نمایندگان ساکت نمایند معلوم میشود که آنچه واقع شده است صحیح است و دیگر آنکه بنده دیشب هر چه در نظامنامه ملاحظه کردم پیشنهاد تنفر ندیدم و نمی دانم کدام ماده از نظامنامه حق می دهد به آقایان که پیشنهاد تنفر از اظهارت يك نماینده بکنند

**معزز الملک** - چون این اظهاری که شد راجع بآن پیشنهادی بود که که پریروز شد و بنده یکی از آنها می بودم که آنرا امضاء کرده ام از این جهت باید اجازه بدهید که دلایل خودم را عرض کنم و از این اظهارات دفاع بکنم .

**نایب رئیس** - فقط در صورت مجلس اگر ملاحظاتی دارید بفرمائید .

**معزز الملک** - در صورت مجلس يك کلمه